





### سیمای سوره‌ی عنکبوت

این سوره در مکه نازل گردیده و شصت و نه آیه دارد. نام برخی از سوره‌های قرآن همچون بقره، فیل، نمل و نحل، برگرفته از نام حیواناتی است که در این سوره‌ها به گونه‌ای مطرح شده‌اند.

در آیه ۴۱ این سوره، بنای شرک همچون خانه‌ی عنکبوت سست و ناپایدار شمرده شده و لذا این سوره به عنکبوت نام گرفته است.

این سوره درباره‌ی چند موضوع، مطالبی را بیان می‌کند از جمله: ایمان، تکلیف بشر، آزمایش الهی، تاریخ برخی انبیا، نهی از مجادله‌ی غیر نیکو و تکیه بر غیر خدا.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان.

﴿ ۱ ﴾ الْم ﴿ ۲ ﴾ أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

الف، لام، میم. آیا مردم پنداشتند که چون گفتند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و دیگر مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟!

﴿ ۳ ﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

در حالی که بدون تردید کسانی را که پیش از ایشان بودند آزمودیم تا خداوند کسانی را که راست گفتند معلوم دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم نماید.

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «فتنه» به معنای گداختن طلا برای جدا کردن ناخالصی‌های آن است و چون در حوادث و سختی‌ها، جوهره‌ی انسان از شعارهای دروغین جدا می‌شود، حوادث و آزمایش‌ها را «فتنه» می‌گویند.

### پیام‌ها:

۱- ایمان، تنها با زبان و شعار نیست، بلکه همراه با آزمایش است. ﴿أَحْسِبِ... هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (ادّعا کافی نیست، باید عملکرد را دید و قضاوت کرد).  
سعدیا گرچه سخندان و نصیحت‌گویی  
ز عمل کار برآید به سخندانی نیست

- ۲- آزمایش، یک سنت الهی در طول تاریخ است. ﴿وَلَقَدْ فْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾  
 ۳- حوادث را تصادف نپنداریم؛ همه اسباب آزمایش ماست. ﴿فْتَنَّا﴾  
 ۴- آشنایی با تاریخ و حوادث پیشینیان، مردم را برای پذیرش حوادث آماده می‌کند. ﴿مِنْ قَبْلِهِمْ﴾  
 ۵- دلیل آزمایش‌های الهی، عینی و محقق شدن علم ازلی خداوند و جدا شدن مؤمنان واقعی و شکوفا شدن استعدادهای درونی و به فعلیت رسیدن آنهاست. ﴿فَلْيَعْلَمَنَّ... الَّذِينَ صَدَقُوا... الْكَاذِبِينَ﴾

﴿۴﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آیا کسانی که کارهای بد انجام می‌دهند، پنداشته‌اند که بر ما پیشی خواهند گرفت (و از کیفر ما خواهند گریخت)؛ چه بد داوری می‌کنند.

﴿۵﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

آن کس که به دیدار خداوند امید دارد (می‌داند که) بی شک اجلی که خداوند تعیین کرده آمدنی است؛ و اوست شنوای دانا.

#### نکته‌ها:

□ حضرت علی عليه السلام فرمودند: «مراد از «لقاء الله»، روز قیامت است». <sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- ارتکاب گناه و تکرار آن، در بینش انسان تأثیر گذارده و او را خیال‌باف می‌کند.  
 ﴿ام حسب الذين يعملون السيئات﴾  
 ۲- خیال پردازی‌ها را با یاد مرگ و معاد درمان کنیم. هم مؤمنانی که در بوته‌ی آزمایشند و هم خلافکاران بدانند که فرصت‌ها تمام شدنی است و مهر و قهر

۱. تفسیر نورالثقلین و توحید صدوق، ص ۲۶۷.

- الهی به سراغشان خواهد آمد. ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا ... أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ... مِنْ كَانِ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ...﴾
- ۳- نه مدعیان ایمان، از امتحان الهی رها می‌شوند و نه خلافکاران، از انتقام الهی. ﴿يَسْبِقُونَا﴾ (خلافکاران، خیال می‌کنند دست خدا به آنان نمی‌رسد).
- ۴- باید تفکرات و پندارهای باطل را محکوم کرد. ﴿سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾
- ۵- خداوند، هم گفتار ما در اظهار ایمان را می‌شنود و هم پندار و روحیات ما را می‌داند. ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

### ﴿۶﴾ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

وهرکس تلاش کند پس برای خود می‌کوشد، زیرا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

#### نکته‌ها:

□ مراد از جهاد در این آیه، تنها جهاد با شمشیر و با دشمنان نیست، بلکه مراد هرگونه تلاش و کوشش است؛ خواه این تلاش در راه خودسازی و به اصطلاح جهاد با نفس باشد یا مبارزه با وسوسه‌های شیطان و یا با دشمنان خارجی.

#### پیام‌ها:

- ۱- خداوند به تلاش ما نیاز ندارد. ﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ﴾
- من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم
- ۲- برای تشویق مردم به تلاش‌های مثبت، از گرایش‌های درونی و فطری، همچون حبّ نفس استفاده کنیم. (انسان فطرتاً به دنبال سود و منافع خویش است) ﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ﴾
- ۳- بی‌نیازی خداوند، واقعی و حتمی است. (بر خلاف اظهار بی‌نیازی ما که در عین نیاز است). ﴿إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾
- ۴- خداوند، هم از انسان‌ها بی‌نیاز است و هم از فرشتگان و هم دیگر موجودات. ﴿لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

﴿ ۷ ﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ  
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قطعاً لغزش‌های آنان را می‌پوشانیم، و بی شک بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند پاداششان می‌دهیم.

### نکته‌ها:

□ از بهترین نمونه‌های جهاد که در آیه‌ی قبل خواندیم، ایمان و عمل صالح است که در این آیه عنوان شده است.

### پیام‌ها:

- ۱- انسان برای دریافت پاداش‌های الهی، به ایمان و عمل صالح، هر دو نیازمند است. ﴿آمنوا و عملوا الصالحات﴾
- ۲- مؤمنان از لغزش و گناه به دور نیستند. ﴿و الذین آمنوا... لنکفرن عنهم سیئاتهم﴾
- ۳- پاداش الهی، تنها عفو گناهان گذشته نیست، بلکه دریافت بهترین پاداش نیز هست. ﴿لنکفرن عنهم سیئاتهم و لنجزيهم﴾
- ۴- دریافت پاداش پس از پاک شدن از گناهان است. ﴿لنکفرن... لنجزيهم﴾

﴿ ۸ ﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را که بدان علم نداری شریک من سازی، از ایشان اطاعت مکن، سرانجام شما به سوی من است، پس شما را از (حقیقت) آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهم ساخت.

## پیام‌ها:

- ۱- نیکی به والدین یک امر انسانی است، نه فقط ایمانی. ﴿وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ﴾
  - ۲- احسان و نیکی به والدین، بدون قید و شرط است. ﴿حُسْنًا﴾ (شرط نژادی، سنی، منطقه‌ای، علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایمانی ندارد، حتی اگر کافر و مشرک باشند، باید احسان کرد).
  - ۳- والدین منحرف برای انحراف فرزندان، کوشش می‌کنند. ﴿جَاهِدَاكُ﴾
  - ۴- از احترام دیگران، سوء استفاده نکنیم. (والدین نباید به خاطر احترام‌گزاری فرزندان، آنان را به شرک دعوت کنند). ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكُ﴾
  - ۵- فرزندان، باید قدرت انتخاب تفکر صحیح را داشته باشند. ﴿جَاهِدَاكُ لِتَشْرَكَ بِي...﴾
- فلا تطعها ﴿﴾
- ۶- شرک، برهان و استدلال علمی ندارد. ﴿مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾
  - ۷- در مسأله توحید و شرک، با هیچ کس کنار نیاییم و سازش نکنیم. ﴿فلا تطعها﴾
  - ۸- احسان به والدین، مطلق و همیشگی است؛ اما اطاعت از والدین، مشروط به آن است که انسان را از خدا دور نکنند. ﴿فلا تطعها﴾
  - ۹- ایمان به معاد، ضامن اجرای توصیه‌های الهی است. ﴿وَصَيِّبْنَا... أَلِيَّ مَرْجِعِكُمْ﴾
  - ۱۰- خداوند به همه‌ی کارهای انسان آگاه است. ﴿فَاتَّبِعْتُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

## ﴿ ۹ ﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بی شک آنان را در زمره‌ی شایستگان در می‌آوریم.

## نکته‌ها:

□ مراد از مؤمنان در این آیه، با توجه به آیه‌ی گذشته، فرزندان هستند که تحت سلطه‌ی والدین، به شرک دعوت می‌شوند، که اگر مقاومت کنند و برای حفظ ایمان خود از خانه و منطقه آواره شوند، هرچند دوری از پدر و مادر برای آنان سخت است؛ اما خداوند در عوض،

در روز قیامت آنان را در زمره‌ی صالحان وارد خواهد کرد.<sup>(۱)</sup>

□ در دو آیه‌ی قبل بیان شد که پاداش ایمان و عمل صالح، پوشیده شدن گناهان و دریافت جزای نیکوست. در این آیه می‌فرماید: کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند، در زمره‌ی افراد صالح نیز قرار می‌گیرند. در آیه‌ی دیگر می‌خوانیم: ملحق شدن به صالحان، از جمله دعا‌های حضرت ابراهیم و حضرت یوسف است. ﴿الحقن بالصالحین﴾<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان از عمل جدا نیست. ﴿آمنوا و عملوا﴾
- ۲- صرف کار نیک، انسان را در زمره‌ی نیکوکاران قرار نمی‌دهد. کار نیکی که از ایمان به خدا برخیزد ارزشمند است. ﴿آمنوا... لندخلنهم فی الصالحین﴾

﴿۱۰﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً  
النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا  
مَعَكُمْ أَوْلَىٰ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

و برخی از مردم (به زبان) می‌گویند: به خداوند ایمان آورده‌ایم، پس هرگاه در راه خدا آزار ببینند، اذیت و آزار مردم را به عنوان عذاب خداوند قرار می‌دهند، و اگر از جانب پروردگارت یاری و پیروزی رسد، با تأکید می‌گویند: ما با شما بودیم. آیا (نمی‌دانند که هیچ‌کس از) خدا به آنچه در دل‌های جهانیان می‌گذرد، آگاه‌تر نیست؟

### نکته‌ها:

- ظاهراً مراد از «العالمین» هر موجود باشعور از جن، ملک و انسان است.<sup>(۳)</sup>
- در اولین آیه‌ی این سوره خواندیم که گمان نکنید بدون آزمایش، اظهار ایمان شما را می‌پذیریم. «أحسب الناس أن يتركوا...» این آیه یکی از نمونه‌های آزمایش را بیان می‌کند.

۲. یوسف، ۱۰۱ و شعراء، ۸۳.

۱. تفسیر المیزان.

۳. تفسیر المیزان.



## پیام‌ها:

- ۱- اظهار ایمان برخی از مردم، زبانی است، نه قلبی. «و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا»
- ۲- گاهی ایمان، اذیت و آزار مردم را بدنبال دارد که باید تحمل کرد. «آمَنَّا - اوذی فی الله»
- ۳- مؤمن، مقاوم است. «وَلِنَصْبِرَنَّ عَلٰی مَا اذیتمونَا»<sup>(۱)</sup> ولی منافق، ناپایدار است. «فاذا اوذی ... جعل...»
- ۴- ایمان واقعی در هنگام سختی‌ها روشن می‌شود. «فاذا اوذی فی الله» حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فی تقلّب الاحوال علم جواهر الرجال»<sup>(۲)</sup> در فراز و نشیب‌ها و حالات گوناگون، جوهره‌ی انسان آشکار می‌شود.
- ۵- منافق، فرصت طلب است و به هنگام پیروزی خود را مؤمن می‌داند، و در گرفتن مزایا، اصرار می‌ورزد. «لیقولنّ انا کنا معکم»
- ۶- تظاهر و نهان‌کاری سودی ندارد، خداوند از درون همه آگاه است. «أولیس الله باعلم بما فی صدور العالمین»

## ﴿ ۱۱ ﴾ وَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده می‌شناسد، و منافقان را (نیز) می‌شناسد.

## نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل ذکر شد که منافقان با تأکید، همگامی خود را با مؤمنان و توده‌ی مردم بیان می‌کردند، «اَنَا كُنَّا مَعَكُمْ»، در این آیه، خداوند نیز با تأکید می‌فرماید: من همه را می‌شناسم. «و ليعلمنّ الله»
- با این‌که خداوند به درون همه آگاه است و مؤمن و منافق را می‌شناسد؛ اما با فتنه و آزمایش آنان را از یکدیگر تمییز می‌دهد.<sup>(۳)</sup>

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷.

۱. ابراهیم، ۱۲.

۳. تفسیر المیزان.

## پیام‌ها:

- ۱- ایمان به علم الهی، عامل دست برداشتن از نفاق است. ﴿و ليعلمنّ المنافقين﴾
- ۲- مؤمنان واقعی و دروغین را تنها خدا می‌شناسد. ﴿و ليعلمنّ الله الذّین آمنوا و ليعلمنّ المنافقين﴾

﴿۱۲﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَ لَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ

وَ مَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

و کسانی که کافر شده‌اند، به کسانی که ایمان آوردند گفتند: شما راه ما را پیروی کنید، (اگر گناهی داشته باشد) ما گناهان شما را بر عهده می‌گیریم. در حالی که چیزی از گناهانشان را عهده‌دار نیستند؛ قطعاً آنان دروغگویانند.

## نکته‌ها:

- منحرفان برای دعوت و تشویق دیگران به کار خلاف می‌گویند: اگر این کار گناهی دارد به گردن ما. در حالی که هیچ‌کس نمی‌تواند گناه دیگری را به عهده بگیرد. ﴿و لَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ و ما هم بحاملین﴾
- شاید بتوان گفت: کفار که علاقه دارند مردم از ایمانشان دست بردارند. ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا﴾<sup>(۱)</sup>، کار خود را در چند مرحله انجام می‌دهند: الف: با آزار مؤمنان، مانع ایمان آوردن آنان می‌شوند. ﴿يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup> ب: جنگ به راه می‌اندازند. ﴿لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُم عَنِ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾<sup>(۳)</sup> ج: می‌گویند: شما لا اقل در عمل پیرو ما باشید. ﴿اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا﴾ که اگر چنین نمودید، دیگر آزار و اذیتی نمی‌شوید و ما تمام مسئولیت ارتداد شما را بر عهده می‌گیریم. ﴿و لَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ﴾
- د: اگر به هیچ یک از کارهای فوق موفق نشدند، دوست دارند حداقل با آنان مدهائنه و

۱. بقره، ۱۰۹.

۲. حج، ۲۵ و اعراف، ۴۵. ۳. بقره، ۲۱۷.

سازش کنید. ﴿وَدَّوَا لَوْ تَدَهْنُ فَيَدَهْنُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

۱- دشمنان، از شما دست بر نمی‌دارند و اهداف خود را تبلیغ می‌کنند. (مسلمانان هم گرفتار شکنجه و آزار جسمی کفار بودند، ﴿فِتْنَةُ النَّاسِ﴾ و هم مورد تهاجم فرهنگی، تبلیغاتی و روانی آنان.) ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا﴾  
 ۲- ارتداد و بازگشت به کفر، گناه بزرگی است که کفار ادعا می‌کنند جبران می‌کنند. ﴿وَلَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ﴾

۳- در جهان بینی اسلام، هیچ‌کس بار کسی را به دوش نمی‌کشد. ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾<sup>(۲)</sup> ولی در تفکر دیگران چنین نیست. ﴿وَلَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ﴾ (هنوز کلیسا، گناهان دیگران را می‌خرد!)

۴- وعده‌های کفار و شیطان، تو خالی و بی‌اساس است. ﴿وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ﴾ (شیطان نیز به انسان دستور می‌دهد کفر ورزد، ولی بعد از کفر ورزیدن، او را رها می‌کند. ﴿إِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ﴾<sup>(۳)</sup>)

﴿۱۳﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بی شک آنان هم بار (خطای) خودشان و (هم) بارهای دیگر را با بار خود بر دوش خواهند کشید، و مسلماً در روز قیامت از آنچه به دروغ می‌یافتند بازخواست خواهند شد.

### نکته‌ها:

□ سؤال: چگونه در آیه قبل فرمود: کسی بار گناه دیگری را حمل نمی‌کند و در این آیه می‌فرماید: گمراه‌کنندگان، بار گناه دیگری را حمل می‌کنند؟!

۱. قلم، ۹.

۲. انعام، ۱۶۴.

۳. حشر، ۱۶.

پاسخ: آیه اول در جواب کفّاری بود که به مسلمانان می‌گفتند: شما از ما پیروی کنید، گناه شما به گردن ما و شما هیچ مسئولیتی ندارید، خداوند فرمود: این چنین نیست و هر کس مسئول گناهان خود است؛ اما این آیه می‌فرماید: فرد اغفال شده مسئول کار خود است؛ ولی اغفال‌کننده علاوه بر مسئولیت کار خود، مسئول گناهان اغفال شدگان نیز هست، بدون آنکه چیزی از گناه اغفال شده کم شود.

□ در تفاسیر دزالمثور و نمونه روایات متعددی آمده است که هرکس در کار خوب یا بدی راه را برای دیگران باز کند، علاوه بر پاداش یا کیفری که به هر یک از عمل‌کنندگان و پویندگان آن راه می‌دهند، پاداش یا کیفری نیز به راهنما، مؤسس و پایه‌گذار آن می‌دهند.

### پیام‌ها:

- ۱- منحرف کنندگان، بار منحرف شدگان را نیز بر دوش می‌کشند. ﴿اتقلاً مع اتقالم﴾
- ۲- منحرف کردن دیگران، بار سنگینی را بر دوش انسان می‌گذارد. ﴿اتقلاً﴾
- ۳- بار گناه سنگین است. ﴿اتقالم﴾
- ۴- دروغ بستن بستن به خدا و پیامبر، روش کفّار است. ﴿کانوا یفترون﴾

﴿ ۱۴ ﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان، هزار سال به استثنای پنجاه سال درنگ کرد، (ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند) پس طوفان (قهر خداوند) آنان را در حالی که ستمگر بودند فرا گرفت.

﴿ ۱۵ ﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

پس او و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن (ماجرا) را برای جهانیان، نشانه‌ی (عبرت) قرار دادیم.

**نکته‌ها:**

□ در آغاز سوره خواندیم که خدای متعال فرمود: مردم و مدّعیان ایمان رها نیستند، همه را مورد آزمون قرار می‌دهیم. از این آیه به بعد داستان حضرت نوح، ابراهیم، لوط، شعیب، هود، صالح و موسی علیهم‌السلام را می‌خوانیم و با نمونه‌هایی از آزمایش امت‌های پیشین آشنا می‌شویم.

□ تنها پیامبری که مدّت رسالتش در قرآن بیان شده، حضرت نوح است. نهصد و پنجاه سال، مدّت رسالت حضرت نوح تا زمان طوفان است؛ اما مدّت زندگی آن حضرت و پیامبری آن حضرت پس از طوفان، بیان نشده است.

**پیام‌ها:**

- ۱- در شیوه‌ی تبلیغ، سزاوار است ابتدا کلیّات گفته شود و بعد تفصیل مطالب و نمونه‌ها بیان گردد. در آیات قبل خواندیم: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ و اکنون به تفصیل بیان می‌کند. ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا﴾
- ۲- آشنایی با تاریخ اقوام گذشته، مورد توجّه قرآن است. ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا﴾ (بیان تاریخ انبیای پیشین، تسلی بخش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است).
- ۳- انبیا، در میان مردم بودند. ﴿فِيهِمْ﴾ (اگر پیامبری از مردم قهر کند، تنبیه می‌شود. چنانکه در مورد حضرت یونس می‌خوانیم: ﴿فَالْتَمَتِهُ الْحُوتُ﴾<sup>(۱)</sup> پس از دوری از مردم، نهنگی او را بلعید).
- ۴- قرآن، با بیان عمر طولانی انسان، آن را محال نمی‌داند. ﴿الف سنة ...﴾
- ۵- اگر قابلیت و آمادگی پذیرش نباشد، هزار سال تبلیغ هم اثری ندارد. ﴿الف سنة الاّ خمسين عاماً﴾
- ۶- در تربیت و تبلیغ، صبر و پایداری لازم است. ﴿الف سنة الاّ خمسين عاماً﴾ این آیه پایداری نوح علیه‌السلام و سرسختی مردم را نشان دهد.
- ۷- آمار را دقیق نقل کنیم. ﴿الف سنة الاّ خمسين عاماً﴾

۸- بی توجهی به پیام انبیا، ظلم است و ظلم، کلید قهر الهی است. ﴿فَاخْذِهِمُ الطَّوْفَانَ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾

۹- پیامبران و پیروان آنها، از قهر الهی در امانند. ﴿فَانجِيْنَاهُمْ وَاَصْحَابَ السَّفِيْنَةِ﴾

۱۰- طول عمر نوح، ساختن کشتی و زیر آب رفتن همه‌ی زمین، به امر خداوند بوده است. ﴿رَسَلْنَا... الْف سَنَةَ... فَاَنْجِيْنَاهُمْ وَاَصْحَابَ السَّفِيْنَةِ﴾

۱۱- یاری الهی به معنای ترک کوشش و تلاش نیست. حضرت نوح و یاران او کشتی را ساختند. ﴿السَّفِيْنَةِ﴾

۱۲- بعضی از افراد و حوادث، فوق زمان و مکانند. ﴿آيَةً لِّلْعَالَمِيْنَ﴾

﴿۱۶﴾ وَإِبْرَاهِيْمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ

كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ

و (یاد کن) ابراهیم را آنگاه که به قومش گفت: خدا را بپرستید و از او پروا کنید، اگر بدانید این (کار) برای شما بهتر است.

### نکته‌ها:

□ حضرت ابراهیم علیه السلام، دومین پیامبر اولوالعزم است که پس از نوح علیه السلام مبعوث شده است.

### پیام‌ها:

- ۱- توحید و تقوا، سرلوحه‌ی برنامه‌ی انبیاست. ﴿اعبدوا اللّٰه و اتقوه﴾
- ۲- عبادت بدون تقوا کارساز نیست. ﴿اعبدوا اللّٰه و اتقوه﴾
- ۳- دستیابی به خیر، در گرو خداپرستی و تقواست. ﴿اعبدوا اللّٰه و اتقوه ذلکم خیر﴾
- ۴- کسانی که به جای توحید و تقوا به سراغ غیر خدا و فساد می‌روند، در حقیقت جاهلند. (عالم بی تقوا، جاهل است). ﴿ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون﴾
- ۵- با علم و پیشرفت آن، می‌توان به مصالح تعبّد و تقوا دست یافت. ﴿ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون﴾

﴿ ۱۷ ﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

همانا شما به جای خدا بت‌هایی را می‌پرستید و دروغی را می‌سازید، همانا کسانی که به جای خدا پرستش می‌کنید، مالک رزق شما نیستند، پس روزی را نزد خدا جستجو کنید و او را بپرستید و برای او شکر نمایید که به سوی او بازگردانده می‌شوید.

### نکته‌ها:

- در آیه قبل حضرت ابراهیم مردم را به عبادت و اطاعت خدا دعوت کرد و در این آیه عبادت غیر خدا را مردود و بی‌نتیجه می‌داند و در پایان آیه بار دیگر بر عبادت خدا تأکید می‌کند.
- شرک و بت پرستی، هیچ برهان و منطقی ندارد، زیرا:
  - اولاً: بت‌ها، جماداتی بیش نیستند. ﴿اوثانا﴾
  - ثانیاً: خود بت پرستان، سازنده‌ی آنهایند. ﴿تخلقون﴾
  - ثالثاً: هیچ گونه نفعی برای مشرکان و بت پرستان ندارند. ﴿لا یملکون لکم﴾
- در این آیه، حضرت ابراهیم سه بار مشرکان را مخاطب قرار داد، و این نشانه‌ی گفتگوی مستقیم با منحرفان است. ﴿تعبدون - تخلقون - تعبدون﴾

### پیام‌ها:

- ۱- کسانی که راه کج می‌روند، کار خود را توجیه می‌کنند. ﴿تخلقون افکا﴾
- ۲- از انگیزه‌های پرستش غیر خدا، رسیدن به نان و نواست. ﴿لا یملکون لکم رزقا﴾
- ۳- غیر خدا، توان روزی دادن ندارند، نه آنکه می‌توانند ولی نمی‌دهند. ﴿لا یملکون﴾  
نفرمود: ﴿لا یرزقونکم﴾
- ۴- در ارشاد و تبلیغ، پس از آنکه باطل بودن فکری را ثابت کردید، راه حق را نشان دهید. ﴿لا یملکون لکم رزقا فابتغوا عندالله الرزق﴾

۵- تا مردم از غیر خدا مأیوس نشوند، به سراغ خدا نمی‌روند. ﴿لَا يَمْلِكُونَ... فابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾

۶- خدا رازق است، ولی انسان نیز باید تلاش کند. ﴿فابْتَغُوا﴾

۷- ابتدا باید نیازهای مادی و رفاهی را حل کرد، سپس مردم را ارشاد نمود. ﴿فابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ﴾

۸- سرچشمه‌ی رزق، نزد خداست. ﴿عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقُ﴾

۹- عبادت کسی شایسته است که قدرت دست اوست. ﴿عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ﴾

۱۰- ضامن اجرای اوامر الهی، قیامت است. ﴿إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ﴾

﴿۱۸﴾ وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبْتُمْ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا

الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و اگر (مرا) تکذیب کنید (تعجب ندارد)، زیرا امت‌های پیش از شما (نیز پیامبران‌شان را) تکذیب کردند و بر پیامبر (خدا) جز تبلیغ روشن (مسئولیتی) نیست.

﴿۱۹﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

آیا ندیده‌اند که خداوند چگونه آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند؟ البته این (کار) بر خداوند آسان است.

**نکته‌ها:**

□ در این دو آیه به سه اصل مشترک در میان ادیان اشاره شده است:

الف: توحید. «يُبدِئُ اللهُ الخلق»

ب: نبوت. «و ما على الرسول الا البلاغ»

ج: معاد. «ثم يعيده»



## پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی انبیا مخالفانی داشته‌اند. پس از مخالفت دشمنان هراسی نداشته باشیم.  
﴿كذَّبَ امُّمٌ...﴾
- ۲- حوادث تاریخی، مشابه و قابل تکرار است. ﴿أُمَّمٌ مِنْ قَبْلِكَ﴾
- ۳- آشنایی با تاریخ، برای انسان یک نوع تسلی خاطر است. ﴿كذَّبَ امُّمٌ مِنْ قَبْلِكَ﴾
- ۴- تکذیب مخالفان، نباید مانع تبلیغ شود. ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ...﴾
- ۵- مردم، در انتخاب عقیده آزادند و پیامبر نمی‌تواند آنان را مجبور کند. ﴿وَأَنْ تَكْذِبُوا... مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾  
من آنچه شرط بلاغ است با تو بگفتم  
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال
- ۶- ارشاد و تبلیغ، باید روشن و گویا باشد. ﴿الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾
- ۷- با طرح سؤال، فطرت غافلان را بیدار کنیم. ﴿أَوْلَمْ يَرَوْا...﴾
- ۸- اسلام دین اندیشه است و از همه‌ی مردم برای اندیشیدن دعوت کرده است.  
﴿أَوْلَمْ يَرَوْا...﴾
- ۹- جهان آفرینش مظهر قدرت‌نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده‌ها است. ﴿يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُ﴾
- ۱۰- آفرینش، حادث و ناپایدار است و سرانجام به سوی خداوند برمی‌گردند.  
﴿يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُ﴾
- ۱۱- اعتقاد به مبدأ، سبب اعتقاد به معاد و بی‌خبری از قدرت خداوند، مایه‌ی انکار معاد است. ﴿يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُ﴾
- ۱۲- آفریدن، میراندن و دوباره زنده کردن، کار دائمی خداوند است. ﴿يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُ﴾ (فعل مضارع، نشانه‌ی استمرار و دوام است.)
- ۱۳- آفرینش اولیه و بازآفرینی در قیامت، برای خداوند آسان است، تنها یک اراده می‌خواهد. ﴿إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

﴿۲۰﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ  
النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: در زمین بگردید، پس بنگرید که (خداوند) چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس (همان) خدا نشأه‌ی آخرت (قیامت) را ایجاد می‌کند، همانا خداوند بر هر کاری بسیار توانا است.

### پیام‌ها:

- ۱- جهانگردی، سیر و سفر، مطالعه‌ی طبیعت و گردش‌های هدفدار، یک وظیفه و ارزش است. ﴿قل سیروا فی الارض فانظروا﴾
- ۲- گردش در طبیعت، می‌تواند انسان را به فکر وادارد. ﴿قل سیروا... فانظروا﴾
- ۳- با مطالعه‌ی دقیق در آفرینش، شک و تردید خود را بر طرف کرده و خدا را بهتر می‌توانیم بشناسیم. ﴿فانظروا...﴾
- ۴- بهترین دلیل معاد، قدرت‌نمایی خداوند در پدید آوردن موجودات در نخستین مرتبه است. ﴿کیف بدء الخلق ثم الله ینشیء النشاء الآخرة﴾

﴿۲۱﴾ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

(خداوند،) هر که را بخواهد عذاب و هر که را بخواهد رحمت می‌کند، و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

﴿۲۲﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ  
اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و شما هرگز نمی‌توانید خدا را عاجز کنید، نه در زمین و نه در آسمان، و برای شما جز خداوند، ولی و یاور نیست.

**نکته‌ها:**

- شیوهی تربیتی قرآن چنان است که هرگاه مهر و قهر خداوند را بیان می‌کند، ابتدا از مهر و رحمت و سپس از قهر و عذاب سخن می‌گوید، ولی چون این آیه، دنباله‌ی تکذیب کفار است، ابتدا درباره‌ی عذاب و سپس درباره‌ی رحمت سخن گفته است.
- در قرآن کریم، هر جا که جمله‌ی «مَنْ يَشَاءُ» و سخن از اراده و خواست خداوند آمده است، مشیت با توجه به حکمت و عدل است، زیرا اراده‌ی الهی بدون حکمت نیست.
- در مجمع‌البیان می‌خوانیم: «ولی» کسی است که بدون درخواست، کمک کند و «نصیر» کسی است که با درخواست فرد، او را یاری نماید و کفار از هر دو محرومند.

**پیام‌ها:**

- ۱- دشمنان دین، با هرگونه تدبیر و تلاش و توطئه‌ای نمی‌توانند بر اراده‌ی الهی چیره شوند و از مدار قهر او خارج گردند. ﴿وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾
- ۲- برای شرک زدایی، باید انواع موهومات را نفی کرد. ﴿مَا أَنْتُمْ - وَ لَا فِي السَّمَاءِ - وَ لَا نَصِيرٌ﴾ به کفار و دشمنان دین می‌فرماید: نه شما به تنهایی کارائی دارید، ﴿مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ و نه از دیگران کاری ساخته است. ﴿مَا لَكُمْ... مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾

﴿۲۳﴾ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و کسانی که به آیات خداوند و لقای او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوس هستند و آنانند که برایشان عذابی دردناک خواهد بود.

**پیام‌ها:**

- ۱- تنها گروهی که از رحمت گسترده‌ی الهی مأیوس و محرومند، کفار هستند. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا... أُولَئِكَ يَئِسُوا﴾ و در آیه ۸۷ سوره یوسف می‌خوانیم: ﴿أَنَّهُ لَا يَشِئُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾

﴿۲۴﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ  
مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

پس پاسخ قوم او (ابراهیم) جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانید.  
ولی خداوند او را از آتش نجات داد. همانا در این (نجات بخشی الهی) برای  
گروهی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی (از قدرت خداوند) است.

### نکته‌ها:

□ کافران و نمرودیان، برای مبارزه با آئین حق ابراهیمی، تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند،  
لذا با تهیه‌ی آتش وسیعی و پرتاب نمودن حضرت ابراهیم در آن، قصد خود را عملی کردند؛  
اما خداوند با گلستان نمودن آن آتش، حضرت را نجات داد. ﴿فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- کافران، منطبق ندارند، منطبق آنان، اعدام و شکنجه است. ﴿اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ﴾
- ۲- کفار، ممکن است اختلاف روش داشته باشند، ولی در هدف اختلافی ندارند.  
﴿اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ﴾
- ۳- پیامبران تحت حمایت الهی قرار دارند. ﴿فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ﴾
- ۴- اراده‌ی خداوند، بر همه‌ی اراده‌ها، ابزارها و اسباب و قوانین جهان غالب  
است. ﴿اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ﴾
- ۵- پیروزی یک مؤمن بر تمام کفار، خنثی شدن سخت‌ترین توطئه‌ها و گلستان  
شدن آتش؛ هر کدام یک آیت و نشانه از آیات الهی است. ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ﴾
- ۶- عبرت از تاریخ، به فطرتی سالم و روحی پاک نیازمند است. ﴿لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يُؤْمِنُونَ﴾ آری، ایمان در بصیرت و روشن‌بینی انسان، تأثیر گذار است.

﴿ ۲۵ ﴾ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم  
بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ

و (ابراهیم) گفت: شما به جای خدا بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که مایه‌ی پیوند شما در زندگی دنیا است؛ اما روز قیامت، بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت خواهد کرد، و جایگاه شما (در) آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود.

### نکته‌ها:

□ در میان قبایل بت‌پرست، بت‌ها محور بودند و هر قبیله‌ای بت مخصوص داشت، مثلاً: قریش بتی به نام «عزّی»، قبیله‌ی سقیف، بت «لات» داشت و اوس و خزرج «مناة» داشتند. این بت‌ها وسیله‌ی پیوند بت‌پرستان با نیاکانشان بود.

□ در آیه‌ی هفده خواندیم که ابراهیم علیه السلام قبل از تهدید به آتش، به قوم خود فرمود: ﴿ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا ﴾ شما به جای خدا به پرستش بت‌ها رو آورده‌اید، پس از نجات از آتش، با قاطعیّت و صراحت بیشتری فرمود: ﴿ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا ﴾، بنابراین در آتش انداختن ابراهیم علیه السلام، در تبلیغ و هدف او تأثیری نداشت و آن حضرت مردم را رها نکرد. □ امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: هیچ گروهی به رهبری اقتدا نمی‌کنند، مگر آن که در روز قیامت، میان آن رهبر و پیروانش، لعنت رد و بدل خواهد شد، جز شما که در خط اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستید. «انه لیس من قوم اتتموا بامام فی الدنیا الاّ جاء یوم القیامة یلعنهم و یلعنونه الاّ انتم...»<sup>(۱)</sup>

□ گاهی باید به طرح‌ها و عملکرد دشمن، کوبنده‌تر پاسخ داد؛ در آیه‌ی قبل خواندیم که کفار، طرح دادند تا ابراهیم را در آتش بیندازند، ﴿ حَرِّقُوهُ ﴾ و خداوند به آنان پاسخ می‌دهد: جایگاه ابدی شما آتش است. ﴿ مَا وَاكُمُ النَّارُ ﴾ آری، گاهی کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است.

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۸، ص ۱۴۶.

## پیام‌ها:

- ۱- پیوندهای عاطفی، تأثیر فراوانی در باورها و عقائد انسان دارد. ﴿انما اتَّخَذْتُمْ... اوثانا مودّةً بینکم﴾
- ۲- دوستی‌های غیرالهی، موسمی و مقطعی بوده و سرانجام به دشمنی و لعنت تبدیل خواهد شد. ﴿مودّةً بینکم فی الحیاة الدنیا... یلعن بعضکم بعضاً﴾
- ۳- در انتخاب راه، آینده‌نگر باشیم. ﴿مودّةً بینکم... مأواکم النار﴾
- ۴- دوستی‌های غیرالهی، در قیامت هیچ‌گونه کارایی ندارد. ﴿ما لکم من ناصرین﴾

﴿۲۶﴾ فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پس لوط به او (ابراهیم) ایمان آورد، و گفت: همانا من به سوی پروردگارم روی آورده‌ام که او عزیز و حکیم است.

## نکته‌ها:

- اکثر مفسران گفته‌اند: مراد از «مهاجر»، حضرت ابراهیم است، چنانکه در آیه دیگر حضرت فرمودند: ﴿إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَاهِدِينَ﴾<sup>(۱)</sup> و بعضی گفته‌اند: مراد حضرت لوط است.

## پیام‌ها:

- ۱- انبیا به یکدیگر ایمان دارند. ﴿فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ﴾ البتّه این نشان غربت و تنهایی حضرت ابراهیم نیز می‌باشد.
- ۲- گاهی در یک زمان چند پیامبر بوده؛ ولی امامت و رهبری بر عهده‌ی یکی از آنان بوده است. ﴿فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ﴾
- ۳- ایمان حضرت لوط، نوعی اعلام حمایت و تقویت حضرت ابراهیم بود. ﴿فَأَمَّنَ لَهُ﴾ و نفرمود: «آمن به»
- ۴- هجرت هدفدار، وسیله‌ی رشد و تربیت است. ﴿إِلَىٰ رَبِّي﴾

۵- مردان خدا، به زمین و زمان و هیچ فرد و گروهی وابستگی ندارند. ﴿إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي﴾

۶- با یاد الطاف الهی، روحیه‌ی هجرت را در خود تقویت کنیم. ﴿مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي أَنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (اتصال به خدای عزیز، غربت‌ها را جبران می‌کند).

﴿۲۷﴾ وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ وَ آتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم، و در میان فرزندان او پیامبری و کتاب را قرار دادیم، و پاداش او را در دنیا عطا کردیم و قطعاً او در آخرت از شایستگان است.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «أجر»، در مورد پاداش‌های دنیوی و اخروی، هر دو به کار می‌رود، ولی کلمه‌ی «أجرت»، تنها در مورد پاداش‌های دنیوی است.<sup>(۱)</sup>

□ پاداش آن همه خلوص و تلاش و هجرت حضرت ابراهیم عليه السلام، موهبت‌های چهارگانه‌ای است که این آیه بیان می‌کند:

اول: فرزندان پاک.

دوم: مقام نبوت در نسل و دودمان.

سوم: نام نیکو در دنیا.

چهارم: عزت در آخرت.

توضیح: یعقوب، یوسف، هارون، موسی، سلیمان، زکریا، یحیی و عیسی عليهم السلام، همه از نسل حضرت اسحاق بودند و پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله از ذریه‌ی اسماعیل است؛ بنابراین، پیامبران

۱. تفسیر المیزان.

اولوالعزم بعد از حضرت ابراهیم، همه از نسل او بودند.

□ نجات از آتش نمرودیان، جذب دل‌ها به سوی مکه و تجدید خاطرات ابراهیم در مراسم حج، از گمنامی<sup>(۱)</sup> به شیخ الانبیا رسیدن و داشتن ذریه‌ی طیبه، همه از مصادیق الطاف الهی در دنیاست که به ابراهیم علیه السلام عطا شده است. ﴿و آتیناه اجره فی الدنیا﴾

□ صالح بودن و در زمره‌ی صالحان قرار گرفتن، مقامی است که انبیا آرزوی آن را داشته‌اند: یوسف علیه السلام از خدا می‌خواهد: ﴿و الحقنی بالصالحین﴾<sup>(۲)</sup>

سلیمان علیه السلام دعا می‌کند: ﴿و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین﴾<sup>(۳)</sup>

شعیب علیه السلام به موسی علیه السلام می‌گوید: ﴿ستجدنی ان شاء الله من الصالحین﴾<sup>(۴)</sup>

ابراهیم علیه السلام به خداوند عرض کرد: ﴿و الحقنی بالصالحین﴾<sup>(۵)</sup>

و در اینجا خداوند درباره‌ی حضرت ابراهیم می‌فرماید: ﴿و انّه فی الآخرة لمن الصالحین﴾

## پیام‌ها:

- ۱- فرزند صالح، موهبتی الهی است. ﴿و وهبنا له﴾
- ۲- پاداش کار برای خداوند را به مردم اعلام کنیم تا برای دیگران انگیزه شود. ﴿و وهبنا له﴾
- ۳- زیربنای دریافت الطاف الهی، اخلاص است. ﴿مهاجر الی ربّی - وهبنا... جعلنا...﴾
- ۴- نوه‌ی انسان مانند فرزند، از موهبت‌های الهی است. ﴿اسحاق و یعقوب﴾ (با توجه به این که یعقوب فرزند اسحاق است) ﴿و من وراء اسحاق یعقوب﴾<sup>(۶)</sup>
- ۵ - پاداش خدمت‌ها و نیکی‌های خالصانه‌ی پدر، در نسل او منعکس می‌شود. ﴿جعلنا فی ذرّیته﴾ البتّه لیاقت ذریّه هم شرط است. ﴿قال و من ذرّیتی قال لاینال عهدی الظالمین﴾<sup>(۷)</sup>

۱. ﴿فقّ یدکرهم یقال له ابراهیم﴾ انبیاء، ۶۰.  
 ۲. یوسف، ۱۰۱.  
 ۳. نمل، ۱۹.  
 ۴. قصص، ۲۷.  
 ۵. شعراء، ۸۳.  
 ۶. هود، ۷۱.  
 ۷. بقره، ۱۲۴.



- ۶- پاداش هجرت کنندگان، محدود نیست. «مهاجر الی ربّی - وهبنا... جعلنا... آتینا...» ﴿
- ۷- هیچ پیامبری هم به اندازه‌ی حضرت ابراهیم، ذریه و نسلش زیاد نشد. ﴿و جعلنا فی ذرّیته ...﴾
- ۸- رهبران دینی، باید از طرف خداوند منصوب شوند. ﴿جعلنا... النبوة و الكتاب﴾
- ۹- دنیا و آخرت قابل جمع است. ﴿آتیناه أجره فی الدنیا و آتیه فی الآخرة لمن الصّالحین﴾

﴿ ۲۸ ﴾ **وَلَوْ طَآءَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ**

و (یاد کن) لوط را آنگاه که به قوم خود گفت: همانا شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ یک از مردم جهان در آن کار بر شما پیشی نگرفته است.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «فاحشة» به معنای عمل یا سخنی است که زشتی آن آشکار و روشن باشد. از آنجا که عمل زشت لوط و همجنس‌گرایی در میان قوم حضرت لوط رواج داشت، قرآن از آن به فاحشه تعبیر کرده است.

#### پیام‌ها:

- ۱- رهبران دینی، باید به مفاسد، ناهنجاری‌ها و خطرهای عمومی جامعه توجه کنند و در رفع آنها بکوشند. (حضرت لوط، در مورد گناه مشهور زمان خود هشدار داد). ﴿قال ... لتأتون الفاحشة﴾
- ۲- هر ابتکاری ارزش ندارد. (نوآوری گناه، ضد ارزش است). ﴿ما سبقکم بها﴾

﴿ ۲۹ ﴾ **أَیْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَنْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصّٰدِقِينَ**

شما به سراغ مردها می‌روید و راه (طبیعی زناشویی) را قطع می‌کنید و در مجالس خود (آشکارا و بی‌پرده) اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟ پس قومش پاسخی ندادند جز این که گفتند: اگر تو (در ادعای پیامبری) از راستگویانی، عذاب خدا را برای ما بیاور.

### ﴿۳۰﴾ قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

(لوط) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم (فاسد و) تبه‌کار پیروز گردان.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «نادی» به معنای مجلس عمومی است. در تفاسیر می‌خوانیم که قوم لوط از نظر ادب و اخلاق کاملاً سقوط کرده، در فساد و تباهی غرق بودند؛ به گونه‌ای که در مجالس عمومی، به یکدیگر سخن زشت می‌گفتند، قمار بازی می‌کردند، در حضور جمع برهنه می‌شدند، به رهگذران سنگ پرتاب می‌کردند و در حضور مردم، از خود باد معده خارج می‌کردند، با مسافران لواط نموده و اموالشان را می‌گرفتند.

□ درخواست عذاب، از زبان اقوام سایر انبیا نیز بیان شده است؛ قوم نوح و عاد گفتند: ﴿فَاتِنَا بِمَا تَعْدُنَا﴾<sup>(۱)</sup>، قوم ثمود از حضرت صالح خواستند: ﴿فَاتِنَا بِمَا تَعْدُنَا﴾<sup>(۲)</sup>، همچنین در زمان پیامبر اسلام ﷺ گروهی گفتند: ﴿آتِنَا بِعَذَابٍ﴾<sup>(۳)</sup>

□ ممکن است مراد از «قطع سبیل» در آیه، بستن راه بر روی مردم برای غارت اموال آنها و یا لواط با آنان باشد.

#### پیام‌ها:

- ۱- با وجود راه طبیعی و شرعی ازدواج برای ارضای غریزه شهوت، لواط و همجنس‌بازی، شگفت‌آور است. ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ﴾
- ۲- شیوع فساد، مانع نهی از منکر نیست. ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ﴾

۳. انفال، ۳۲.

۲. اعراف، ۷۰.

۱. هود، ۳۲.

۳- فساد اخلاقی، انسان را به فساد عقیدتی می‌کشاند. (غرق شدن در گناه و نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی، باعث شک در نبوت حضرت لوط شد.)

﴿لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ - ائْتْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾

۴- خداوند برای ارضای غریزه‌ی جنسی، راه قرار داده و انسان را در بن‌بست نگذاشته است. ﴿السَّبِيلُ﴾

۵- گناه علنی، از زشت‌ترین گناهان است. ﴿فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرُ﴾

۶- امنیت و عفت عمومی، باید محترم و محفوظ بماند. ﴿فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرُ﴾

۷- عاقبت گناه علنی، رسوایی همیشگی است. (قوم لوط مدتی کوتاه، گناه علنی داشتند؛ اما ده‌ها قرن بدنام شدند.) ﴿فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرُ...﴾

۸- صداقت و راستگویی حتی در دید منحرفان نیز کار خوبی است. ﴿إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾

۹- لواط، منکر و فاحشه است، ﴿الْمُنْكَرُ - لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ﴾ و لواط‌کننده، مفسد فی الارض است. ﴿رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمَفْسِدِينَ﴾

۱۰- تنها بودن، مانع نهی از منکر نیست. حضرت لوط با آنکه تنها بود؛ اما در مقابل انحراف و منحرفان ایستاد و از خداوند استمداد نمود. ﴿رَبِّ انصُرْنِي﴾

۱۱- همواره باید در فکر غلبه بر مفسدان باشیم، نه آنکه حکومت آنان را بپذیریم. ﴿رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمَفْسِدِينَ﴾

﴿۳۱﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ

الْقَرْيَةِ إِنْ أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ

و چون فرستادگان ما (که از فرشتگان بودند)، برای ابراهیم مزدهی (تولد

فرزند) آوردند، گفتند: ما نابودکننده‌ی اهل این منطقه هستیم، زیرا مردم

آن ستمگرند.

## نکته‌ها:

- دعای حضرت لوط، برای پیروزی بر مفسدان مستجاب شد و خداوند فرشتگان عذاب را بر آنان نازل کرد.
- منطقه‌ی قوم لوط، به نام «سدوم» و نزدیک منطقه‌ی حضرت ابراهیم بود.
- حضرت ابراهیم و همسرش ساره در حدود صد سال داشتند که خداوند به آنان بشارت تولد اسحاق را داد.<sup>(۱)</sup>
- امام سجّاد علیه السلام در صحیفه‌ی سجّادیه، گروه‌هایی از فرشتگان را نام می‌برد که هر یک مسئولیت خاصی دارند، ولی فرشتگانی که بر حضرت ابراهیم وارد شدند، چند هدف داشتند؛ هم مأمور بشارت فرزند به حضرت ابراهیم بودند، هم مأمور اعلان عذاب قوم لوط و هم مجریان عذاب الهی.

## پیام‌ها:

- ۱- سلسله مراتب باید مراعات شود. (فرشتگانی که مأمور بودند تا قوم لوط را هلاک کنند، باید در آغاز، حضرت ابراهیم را که پیامبری اولوالعزم و صاحب شریعت بود در جریان بگذارند و سپس حضرت لوط را که مبلغ دین ابراهیم علیه السلام بود.) «جائت رسلنا ابراهیم»
- ۲- دعای بندگان صالح خدا، مستجاب می‌شود. «ربّ انصرنی... انا مهلكوا»
- ۳- فرشتگان، مأموران قهر و مهر الهی هستند. «جائت رسلنا... بالبشری... انا مهلكوا»
- ۴- گناه لواط، از سوی یک جمعیت شهوت‌ران و منحرف انجام می‌شد، ولی همین که قهر خدا آمد، همه‌ی اهل منطقه هلاک شدند، شاید به خاطر سکوت نابجا، به همه‌ی آنان لقب ظالم داده شد. «انّ اهلها كانوا ظالمین»
- ۵- ظلم، مایه‌ی هلاکت است. «انا مهلكوا... ظالمین»

---

۱. تفسیر اطیب البیان.

﴿ ۳۲ ﴾ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا  
 أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

(ابراهیم) گفت: در این منطقه لوط است، فرشتگان گفتند: (نترس) ما به  
 کسانی که در این جا هستند آگاه‌تریم؛ قطعاً او (لوط) و خاندانش را نجات  
 می‌دهیم، جز همسرش که از باقی ماندگان (در قهر ما) است.

### نکته‌ها:

□ از جمع این آیه و آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی ذاریات که می‌فرماید: ﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ  
 الْمُسْلِمِينَ﴾ ما جز یک خانواده‌ی با ایمان، هیچ کس را مؤمن نیافتیم، استفاده می‌شود که  
 تنها حضرت لوط و فرزندان مؤمن بودند و حتی همسر او گرفتار عذاب شد.  
 □ از آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی هود استفاده می‌شود که حضرت ابراهیم از خداوند تقاضا کرد که قهر  
 الهی بر قوم لوط نازل نشود؛ اما این درخواست مورد قبول واقع نشد و پاسخ آمد: از این امر  
 صرف نظر کن. ﴿مَجَادِلْنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ... يَا اِبْرَاهِيمَ اعْرُضْ عَنِ هَذَا اِنَّهُ قَدْ جَاءَ امْرُؤُكَ﴾<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- وجود اولیای الهی در جامعه، مانع نزول قهر الهی است. ﴿إِنَّ فِيهَا لُوطًا﴾
- ۲- انبیا و پیروانشان، از قهر الهی در امانند. ﴿لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ﴾
- ۳- فرشتگان، یکایک افراد را می‌شناسند. ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا﴾
- ۴- گاهی مردان حق، در نهایت غربت بوده‌اند. (تنها فرزندان لوط به پدرشان  
 ایمان داشتند!) ﴿لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ﴾
- ۵- فرزندان، هنگام تضاد فکری میان والدین، می‌توانند راه حق را انتخاب کنند.  
 ﴿وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ﴾ (فرزندان لوط، راه پدر را بر راه مادر ترجیح دادند)
- ۶- زن، شخصیتی مستقل دارد و می‌تواند تحت تأثیر مرد یا نظام اقتصادی و

۱. هود، ۷۴-۷۶.

فرهنگی خانواده قرار نگیرد. ﴿الّا امراته﴾  
 ۷- وابستگی رمز نجات نیست؛ وارستگی رمز نجات است. ﴿لُنُنَجِّیْهِ وَ اَهْلَهُ الْاَمْرَاتِه﴾ (همسر لوط، به او وابسته بود؛ اما خود وارسته نبود).  
 ۸- عنوان اجتماعی مهم نیست؛ ایمان و عملکرد معیار است. ﴿الّا امراته﴾ (همسر پیامبر بودن به تنهایی ارزش نیست، همراهی و تبعیت از او ارزش است)  
 ۹- همسران پیامبران، معصوم نیستند. ﴿الّا امراته﴾ (حتی از میان زنان پیامبر اسلام ﷺ تنها بعضی مورد الطاف ویژه‌ی الهی بودند. چنانکه در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿فَاِنَّ اللّٰهَ اَعَدَّ لِلْمَحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ اَجْرًا عَظِیْمًا﴾<sup>(۱)</sup>)

﴿۳۳﴾ وَ لَمَّا اَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِیْءَ بِهَمْ وَضَاقَ بِهَمْ ذُرْعًا وَقَالُوا لَا تَحْخَفْ وَلَا تَحْزَنْ اِنَّا مُنْجُوکَ وَ اَهْلَکَ اِلَّا اَمْرَاتَکَ کَانَتْ مِنْ الْغَابِرِیْنَ

و هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از آمدنشان بد حال شد و دستش (از حمایت آنان در برابر بدکاران) کوتاه گردید؛ (فرشتگان) گفتند: نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده‌ات را نجات می‌دهیم، مگر همسرت که از باقی ماندگان (در عذاب) است.

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «سیء» به معنای بدحال شدن است. بدحال شدن حضرت لوط ممکن است به خاطر ترس از تعرّض بدکاران به فرشتگان میهمان در خانه‌ی او باشد و یا به خاطر اطلاع از نزول قهر و عذاب الهی بر قومش.  
 □ «ذراع» به قسمتی از دست (از آرنج تا انگشتان) گفته می‌شود. تنگ شدن ذراع، کنایه از ناتوانی و فروماندگی است، زیرا کسی که آرنجش کوتاه باشد، نسبت به انجام بسیاری از

کارها ناتوان است. به هر کس که به نحوی از پا می‌افتد و کاری دستش نیست می‌گویند: «ضاق بهم ذرعاً»<sup>(۱)</sup>.

□ «لاتخف» درباره‌ی نگرانی از حوادث و سختی‌ها یا تلخی‌های احتمالی در آینده است. و «لاتحزن» اندوه و غم به خاطر امور گذشته مربوط می‌شود.

### پیام‌ها:

- ۱- در جامعه‌ی فاسد، مردان خدا در تنگنا قرار می‌گیرند و حتی در مورد حفظ مهمان و ذریه‌ی خود نیز نگرانند. ﴿سِءَ بِهِمْ﴾
- ۲- شیوع فساد، نباید ما را بی‌تفاوت کند. ﴿سِءَ بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ﴾ (غیرت دینی لازمه‌ی ایمان است). ﴿سِءَ بِهِمْ﴾
- ۳- بسیاری از نگرانی‌ها، به خاطر بی‌خبری از آینده است. ﴿ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَ قَالُوا لَاتَخَفْ وَ لَاتَحْزَنْ﴾
- ۴- نگرانی درونی، در چهره اثر می‌گذارد. فرشتگان با دیدن آثار نگرانی از سیمای حضرت لوط، به او گفتند: ﴿لَاتَخَفْ وَ لَاتَحْزَنْ﴾
- ۵- مؤمنان را با وعده‌های حق و آرام‌بخش، از دلهره و اضطراب نجات دهیم. ﴿لَاتَخَفْ وَ لَاتَحْزَنْ اَنَا مِنْجُوكَ﴾
- ۶- در بیان حقایق، ابتدا نقاط مثبت را بگوییم. ﴿اَنَا مِنْجُوكَ﴾
- ۷- خداوند، اولیای خود را حفظ می‌کند. ﴿اَنَا مِنْجُوكَ﴾
- ۸- پیوند خانوادگی، انسان را نجات نمی‌دهد، ایمان و عمل صالح کلید نجات است. ﴿اَلَا اِمْرَاتِكُ﴾
- ۹- زن، دارای شخصیتی مستقل است و می‌تواند در برابر نظام فرهنگی و اقتصادی خانواده یا جامعه مقاومت کند. ﴿اَلَا اِمْرَاتِكُ﴾
- ۱۰- راهنمای فساد نیز مفسد است. ﴿اَلَا اِمْرَاتِكُ﴾ (همسر لوط به افراد فاسد اطلاع

می داد که مهمان آمده، شما برای گناه به سراغش بروید.)

﴿۳۴﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

همانا ما بر اهل این منطقه به خاطر فسقی که داشتند، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت.

﴿۳۵﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و از آن منطقه (غضب شده) نشانه‌ی روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاشتیم.

#### نکته‌ها:

- مراد از «قریه»، منطقه‌ی «سدوم» است که قوم لوط در آن جا می‌زیستند و جمعیت کثیری داشته است.
- «فسق» به معنای خروج از طاعت است که روشن‌ترین نمونه آن شرک و کفر می‌باشد.

#### پیام‌ها:

- ۱- از آسمان، هم رحمت الهی (مانند باران و وحی) نازل می‌شود و هم قهر و عذاب الهی. ﴿رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ﴾
- ۲- عملکرد انسان، در طبیعت تأثیرگذار است. همان‌گونه که عمل خوب، باعث نزول نعمت و رحمت می‌شود، ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>(۱)</sup> به عکس، گناهان، نعمت‌ها را تبدیل به عذاب می‌کند. ﴿رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ﴾
- ۳- تکرار گناه و اصرار بر آن، سبب نزول قهر الهی است. ﴿كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾



۴- گاهی لازم است آثار گذشته و خرابه‌های باستانی را حفظ کنیم و به سراغ تعمیر و بازسازی نرویم. «ترکنا... آیه»

۵- آشنایی با فلسفه‌ی تاریخ و شناخت اقوام گذشته، مورد توجه قرآن است. «آیه بینه لقوم یعقلون»

۶- از خرابه‌ها نیز می‌توان درس گرفت. «آیه... لقوم یعقلون»

۷- عبرت گرفتن، به دقت و تعقل نیاز دارد. افراد غافل با دید سطحی نمی‌توانند حقایق را درک کرده و عبرت بگیرند. «لقوم یعقلون»

۸- تعقل و اندیشه، شرط هدایت و عبرت‌گیری است. «لقوم یعقلون»

﴿۳۶﴾ وَ إِلَىٰ مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ ارْجُوا  
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و به سوی (مردم) مدین، برادرشان شعیب را (به رسالت فرستادیم)؛ پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز قیامت امیدوار باشید، و در زمین (فتنه‌انگیزی و) فساد نکنید.

#### نکته‌ها:

□ «مدین» شهری است در جنوب غربی اردن و اکنون به «معان» معروف است.

□ کلمه‌ی «تعتوا» از «عتی» به معنای ایجاد فساد است.

□ حضرت شعیب، مسئول راهنمایی دو قبیله بود:

الف: اصحاب مدین که با صیحه‌ی آسمانی هلاک شدند.

ب: اصحاب ایکه، که به عذاب «یوم الظلّه»، سایبانی از ابر صاعقه‌خیز گرفتار شدند.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- انبیا که پدران فکری و ایمانی و اخلاقی مردمند، با آنان برادرانه رفتار می‌کنند.  
﴿اِخَاهُمْ شَعِيبًا﴾
- ۲- در دعوت به سوی خداوند، عواطف را فراموش نکنیم. ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ﴾  
(ای قوم من!)
- ۳- توحید و معاد، سرلوحه‌ی دعوت انبیاست. ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ﴾
- ۴- بندگی خدا و ایمان به مبدأ و معاد، زمینه‌ی دوری از فساد است. ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثُوا﴾
- ۵- انسان‌ها معصوم نیستند و گاهی گرفتار لغزش و گناه می‌شوند؛ آنچه خطرناک‌تر است، فساد آگاهانه، مغرضانه و مصرانه است. ﴿لَا تَعْثُوا... مَفْسِدِينَ﴾

## ﴿۳۷﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ

پس شعیب را تکذیب کردند و (به این سبب) زلزله آنان را فرا گرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده (و مرده) بودند.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «رَجْفَةٌ» به معنای لرزش زمین است. «اراجیف» اخبار و سخنانی است که سبب تزلزل عقیده و روحیه‌ی مردم می‌شود و «مُرجفون» به کسانی گویند که چنین مطالبی را بگویند یا بنویسند.
- «جاثمین» به معنای نشستن روی زانوست؛ گویا عذاب شدگان، با زلزله از خواب بیدار شدند و به حالت نیم‌خیز بودند که اجل به آنان مهلت نداد.

## پیام‌ها:

- ۱- تکذیب انبیا، زمینه‌ی قهر الهی است. ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ﴾
- ۲- انسانی که قدرت فرار از قهر خدا را ندارد، چگونه حق را تکذیب می‌کند؟  
﴿فَكَذَّبُوهُ... فَأَصْبَحُوا... جَاثِمِينَ﴾

﴿۳۸﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ  
أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ

و (قوم) عاد و ثمود را نیز (هلاک کردیم)؛ و بی شک (بعضی) از خانه‌های مسکونی (مخروبه‌ی) آنان برای شما آشکار است؛ و شیطان اعمالشان را برای آنان زینت داد، پس آنان را از راه (خدا) باز داشت، در حالی که (برای شناخت حق و باطل) بصیرت داشتند.

### پیام‌ها:

- ۱- حفظ برخی آثار تاریخی، برای عبرت مردم لازم است. ﴿تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ﴾
- ۲- زشتی‌های خود را خوب دیدن، دام شیطان است. ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ﴾ (غرور و خود بزرگ بینی و افتخار به ثروت و قدرت، جلوه‌هایی از تزئین شیطانی است).
- ۳- تبلیغات و توجیهات مسموم فرهنگی، یکی از عوامل انحراف از حق است. ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... فَصَدَّهُمْ﴾
- ۴- انسان فطرتاً زینت و زیبایی را دوست دارد و شیطان از این گرایش درونی، سوء استفاده می‌کند. ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... فَصَدَّهُمْ﴾
- ۵- انسان‌های بصیر و آگاه نیز در معرض اغفال شیطانند. ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾
- ۶- خداوند هیچ قومی را بدون دلیل و بینه، عذاب نمی‌کند. ﴿عَادًا وَ ثَمُودًا... وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾
- ۷- مردم از طریق فطرت، عقل و ارشاد انبیا آگاه می‌شوند، ﴿كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ ولی شیطان هم بیکار نیست. ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... فَصَدَّهُمْ﴾

﴿۳۹﴾ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ  
فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

و قارون و فرعون و هامان را (نیز هلاک کردیم)؛ و به راستی موسی همراه  
دلایل روشن (و معجزات) به سوی آنان آمد، (ولی) آنان در زمین تکبر و  
سرکشی کردند، و (با این همه) نتوانستند (بر خدا) پیشی گیرند (و از عذاب  
الهی فرار کنند).

### پیام‌ها:

- ۱- عاقبت استکبار، نابودی است و سرنوشت شوم آنان، درس عبرت است. ﴿و قارون و فرعون و هامان ...﴾
- ۲- سنت خداوند، اتمام حجّت و سپس مؤاخذه است. ﴿جاءهم موسى بالبينات﴾
- ۳- جلوه‌های استکبار مختلف است؛ قارون مظهر مال‌پرستی بود و فرعون و هامان مظهر قدرت‌پرستی، ولی همه‌ی آنان در طغیان، سرکشی و لجاجت با حقّ مشترک بودند. ﴿و قارون و فرعون و هامان - فاستكبروا﴾
- ۴- زر و زور، در برابر قدرت خداوند عاجز و بی‌اثر است. ﴿و ما كانوا سابقين﴾

﴿۴۰﴾ فَكَأَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّن  
أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّن خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّن أَعْرَقْنَا  
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

پس هر یک (از آنان) را به (جرم) گناهش گرفتار (عذاب) کردیم، پس بر  
بعضی از آنان باد شدید ریگ افشان فرستادیم، و بعضی از آنان را  
صیحه‌ی آسمانی (و بانگ مرگبار) فرا گرفت، و برخی را در زمین فرو  
بردیم، و بعضی دیگر را غرق کردیم؛ و چنان نبود که خداوند بر آنان ستم  
کند، بلکه خودشان بر خود ستم کردند.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «حاصِب» به معنای طوفان همراه با سنگریزه یا تگرگ و «خَسَف» به معنای فرو رفتن در زمین است.
- قوم عاد با طوفان، قوم ثمود با صیحه‌ی آسمانی، قارون با فرو رفتن در زمین و فرعون و هامان با غرق شدن در آب به هلاکت رسیدند. آری، گاهی کیفر الهی از مسیر همین عوامل طبیعی است.

## پیام‌ها:

- ۱- در شیوه‌ی تبلیغ، بعد از بیان مطالب و نمونه‌ها، جمع بندی و فهرست گویی، مفید و مؤثر است. ﴿فَكَلَّا اخذنا بذنبه...﴾
- ۲- کیفر هر قومی متناسب با گناه آن قوم است. ﴿فَكَلَّا اخذنا بذنبه﴾
- ۳- تمام کیفرها به قیامت واگذار نشده است. (برخی اقوام در همین دنیا به کیفر گرفتار شده‌اند.) ﴿فَكَلَّا اخذنا...﴾
- ۴- از مهلت دادن خدا مغرور نشویم که عاقبت گناه، کیفر است. ﴿فَكَلَّا اخذنا بذنبه﴾
- ۵- دست خداوند برای انواع عذاب باز است. ﴿حاصِباً - خسفاً - اغرقنا﴾
- ۶- قهر الهی، عادلانه است. ﴿و ما كان الله ليظلمهم﴾
- ۷- سرنوشت هر کس در گرو اعمال خود اوست. ﴿كانوا أنفسهم يظلمون﴾
- ۸- تکبر در برابر حق، ظلم به خویشان است. ﴿كانوا أنفسهم يظلمون﴾
- ۹- زشت تر از ظلم، استمرار ظلم است. ﴿كانوا أنفسهم يظلمون﴾

﴿٤١﴾ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ

بَيْتًا وَإِنْ أُوْهِنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

مَثَلِ کسانی که غیر خدا را سرپرست خود برگزیدند، همانند مَثَلِ عنكبوت است که (برای خود) خانه‌ای ساخته؛ و البته سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنكبوت است اگر می‌دانستند.

## نکته‌ها:

□ به مناسبت این آیه، این سوره، عنكبوت نام گرفته است.  
 □ از افلاطون نقل شده که مگس حریص‌ترین حشره است که برای معاش خود روی ترشی، شیرینی، آلودگی و زخم می‌نشیند؛ ولی عنكبوت در گوشه‌ای می‌تند و قناعت دارد، جالب این است که خداوند فعال‌ترین و حریص‌ترین حیوان را طعمه گوشه‌گیرترین حیوان قرار می‌دهد، مگس با پای خود به سراغ عنكبوت می‌رود و او با تارهای خود مگس را شکار می‌کند.

## پیام‌ها:

- ۱- استفاده از مثل، یکی از بهترین شیوه‌ها در تعلیم و تربیت است، ﴿مثل الذین...﴾ و بهترین مثال‌ها، مثالی است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و برای همه‌ی اقشار مردم ملموس باشد. ﴿کمثل العنكبوت﴾
- ۲- بنای شرک، مانند خانه‌ی عنكبوت سست و بی‌اساس است. ﴿مثل الذین... کمثل العنكبوت...﴾
- ۳- عنكبوت، در اماکن متروکه خانه می‌سازد؛ شرک نیز در روح‌های دور از خدا جا گرفته و تأثیر می‌گذارد. ﴿دون الله - کمثل العنكبوت﴾
- ۴- خانه‌ی عنكبوت، تنها اسم خانه را دارد؛ غیر خدا نیز اسم‌هایی بیش نیستند. ﴿دون الله - أوهن البيوت﴾
- ۵- عنكبوت، در عالم خود خیال می‌کند که خانه دارد و خانه‌اش در برابر حوادث مقاوم است؛ مشرک نیز به چنین توهمی دچار است. ﴿أوهن البيوت﴾
- ۶- ولایت الهی، بنیانی مرصوص و بنایی آهنین دارد، ﴿کأنهم بنیان مرصوص﴾<sup>(۱)</sup> اما ولایت غیر خدا، بسیار سست است. ﴿أوهن البيوت﴾
- ۷- گاهی انگیزه‌ها، خیالات و دوستی‌ها، مانع فهمیدن حق است. ﴿لو کانوا یعلمون﴾ (چنانکه می‌گویند: «حبّ الشیء یعمی و یصم»)، برخی علاقه‌ها انسان را

کور و کر می کند.)

۸- مشرکان از سر جهل و بی خبری به سراغ غیر خدا می روند. ﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۴۲﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

همانا خدا آنچه را غیر از او می خوانند، هر چه باشد می داند، او عزیز و حکیم است.

﴿۴۳﴾ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

و این مثلها را برای مردم می زنیم؛ اما جز دانشمندان و آگاهان، کسی آن را درک نمی کند.

### پیامها:

- ۱- گرایشهای غیر الهی انسان، زیر نظر خداست، خود را برای پاسخگویی آماده کنیم. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ...﴾
- ۲- تشبیه شرک به تار عنکبوت، برخاسته از علم خداوند است. ﴿كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ... إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ...﴾
- ۳- به جای تکیه بر غیر خدا که مانند خانه‌ی عنکبوت سست و بی اساس است، به خداوند قوی و شکست‌ناپذیر توکل کنیم. ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
- ۴- توجه ما به دیگران، به خداوند ضرری نمی‌رساند. ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ﴾
- ۵- عزت خداوند همراه با حکمت است. (نه این‌که یک قدرت و صلابت بی منطق و حکمت باشد.) ﴿الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
- ۶- مثل‌های قرآن، عمیق است و باید علاوه بر عموم مردم، دانشمندان نیز در عمق آن بیاندیشند. ﴿نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾
- ۷- خداوند برای دریافت نکات دقیق قرآن، مردم را به تحصیل علم تشویق می‌کند. ﴿وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾

﴿ ۴۴ ﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، همانا در این آفرینش، برای اهل ایمان نشانه‌ی قطعی است.

#### نکته‌ها:

□ غیر از خدا، هر کس و هر چیز مانند خانه عنكبوت، سست، ناپایدار و فانی است؛ اما خداوند: هم عالم است. «یعلم ما يدعون» (آیه قبل)  
هم عزیز و حکیم است. «و هو العزيز الحكيم»  
هم آفریدگار هستی است. «خلق الله...»

#### پیام‌ها:

- ۱- آفرینش جهان، هدفدار است؛ «بالحق» نگاه ما به جهان نیز باید هدفدار باشد.  
﴿لَايَةٌ﴾
- ۲- مادیون در پدیده‌ها متوقف می‌شوند، ولی خداپرستان از پدیده‌ها عبور می‌کنند و به شناخت خدا می‌رسند. ﴿لَايَةٌ﴾
- ۳- ایمان، از شرایط درک حقایق هستی است. ﴿ان في ذلك لآية للمؤمنين﴾

﴿ ۴۵ ﴾ اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

آنچه را از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به‌پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر باز می‌دارد و البته یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.

#### نکته‌ها:

□ در این آیه خداوند به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده و این به خاطر آن است که قرآن و نماز دو منبع نیروبخش می‌باشند. خداوند که به پیامبرش از یک



مسئولیت سنگین خبر می‌دهد، «أنا سنلق عليك قولاً ثقیلاً»<sup>(۱)</sup> به او می‌فرماید: برای انجام این مسئولیت سنگین، از دو منبع نیروبخش کمک بگیر: یکی تلاوت قرآن. «و رَتَّل القرآن ترتیلاً»<sup>(۲)</sup> و دیگری نماز شب. «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً»<sup>(۳)</sup> البته علاوه بر این آیه، نماز و قرآن، بارها در کنار هم آمده است؛ از جمله: «یتلون کتاب اللّٰه و اقاموا الصّلاة»<sup>(۴)</sup> و «یستکون بالکتاب و اقاموا الصّلاة»<sup>(۵)</sup> □ برای جمله «لذکر اللّٰه اکبر» چند معنا بیان شده است: الف: نماز، بزرگ‌ترین ذکر الهی است. به دلیل آیه‌ی «أقم الصّلاة لذکری»<sup>(۶)</sup> که نماز را ذکر خداوند می‌داند. ب: یاد خدا (و حضور قلب)، بالاتر از ظاهر نماز است. ج: یاد خدا برای انسان از همه کارها برتر است. د: یاد خدا، برای جلوگیری از فحشا و منکر بالاتر از هر اهرم دیگر است. ه: یاد خدا از شما، بزرگتر از یاد شما از خدا است. (البته این معنا با توجه به روایات در ذیل آیه «فاذکرونی اذکرکم»<sup>(۷)</sup> برداشت شده است.<sup>(۸)</sup>) □ به پیامبر اکرم ﷺ گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: «انّ صلاته تنهاه یوماً»<sup>(۹)</sup> بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد. □ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: «فبقدر ما منعته قبلت منه»<sup>(۱۰)</sup> به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود.

۱. مزمل، ۵. ۲. مزمل، ۴. ۳. مزمل، ۶. ۴. فاطر، ۲۹. ۵. اعراف، ۱۷۰. ۶. طه، ۱۴. ۷. بقره، ۱۵۲. ۸. تفسیر نورالثقلین. ۹. تفسیر مجمع‌البیان. ۱۰. تفسیر مجمع‌البیان.

## پیام‌ها:

- ۱- تنها آشنایی با مفاهیم، تلاوت و آموزش قرآن کافی نیست، بلکه عمل لازم است. ﴿أَتْلُ - أَقِم﴾
- ۲- قرآن و نماز، در رأس برنامه‌های تربیتی است. ﴿أَتْلُ - أَقِم﴾
- ۳- رابطه پیامبر با مردم از طریق تلاوت آیات قرآن و ابلاغ اوامر خداوند به آنان و رابطه او با خدا از طریق عبادت و نماز است. ﴿أَتْلُ - أَقِم﴾
- ۴- در تبلیغ و ارشاد، حکمت و آثار دستورها دینی را بیان کنیم. ﴿أَقِم الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾
- ۵- در پیشگاه خداوند، نماز از عظمت و جایگاه خاصی برخوردار است. ﴿أَقِم الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ﴾ (تکرار کلمه‌ی «صلاة»)
- ۶- نقش اصلاحی نماز در فرد و جامعه حدسی و پیشنهادی نیست، بلکه قطعی است. ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ﴾ (کلمه‌ی «ان» و جمله‌ی اسمیه)
- ۷- اگر نماز انسان، او را از فحشا و منکر باز نداشت، باید در قبولی نماز خود شک کند. ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى﴾
- ۸- گسترش کارهای نیک و معروف، به طور طبیعی مانع رشد منکر است. ﴿الصَّلَاةَ تَنْهَى﴾
- ۹- علم خداوند، ضامن اجرای صحیح دستورهای اوست. ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾
- ۱۰- در نماز، انواع راز و رمزها، هنرها و سلیقه‌ها نهفته است. ﴿مَا تَصْنَعُونَ﴾

## نماز و بازدارندگی از منکرات

سؤال: چگونه نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد؟

۱. ریشه‌ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ و نماز چون یاد خدا و بهترین وسیله‌ی غفلت‌زدایی است، پس زمینه‌ی منکرات را از بین می‌برد.
۲. اقامه‌ی نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنانکه کسی که لباس

سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.

۳. در کنار نماز، معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بخل و بی تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه‌ی رویکرد به منکرات است، رها می‌سازد.

۴. نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، مثلاً:

\* شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد.  
\* رعایت شرط پاک بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

\* شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و شمه‌ه باز می‌دارد.

\* شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجه کردن باز می‌دارد.

\* رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر باز می‌دارد.

\* توجه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند.

\* توجه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می‌شود.

\* نماز جماعت، انسان را از گوشه‌گیری نابجا نجات می‌دهد.

\* احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش‌ها را زنده می‌کند از جمله: مردمی بودن، جلو نیافتادن از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حق امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش‌گذاری نسبت به انسان‌های با تقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش‌های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترک هر یک از آنها، منکر است.

\* لزوم تلاوت سوره حمد در هر نماز، رابطه‌ی انسان را با آفریننده‌ی جهان، «ربّ العالمین»، با تشکر، تعبد و خضوع در برابر او، «ایّاك نعبد» با توکل و استمداد از او، «ایّاك نستعین»، با توجه و یادآوری معاد، «مالك يوم الدين» با رهبران معصوم و اولیای الهی، «انعمت علیهم»، با برائت از رهبران فاسد، «غیرالمغضوب» و رابطه‌ی انسان را با دیگر مردم جامعه «نعبد و نستعین» بیان می‌کند که غفلت از هر یک از آنها منکر، یا زمینه‌ساز منکری بزرگ است.

## جزء ﴿ ۲۱ ﴾

﴿ ۴۶ ﴾ وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

و با اهل کتاب جز با بهترین شیوه مجادله نکنید، مگر ستمگران از آنان، و (به آنان) بگویید: ما به آنچه (از سوی خدا) بر ما و شما نازل شده ایمان داریم، و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم او هستیم.

## نکته‌ها:

□ «جدال» در لغت به معنای به هم تابدن است. به گفتگوهای دو نفر که با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند تا بر یکدیگر پیروز شوند، جدال می‌گویند.  
 «جدال احسن» به گفتگویی گفته می‌شود که همراه آن طعنه، استهزا، ناسزا و اهانت نباشد، بلکه بر اساس استدلال و محبت و با انگیزه‌های اصلاحی باشد. از کلمه ی «قولوا» بعد از سفارش به جدال احسن، استفاده می‌شود که این لحن آیه، خود نمونه‌ی جدال احسن است.  
 □ امام صادق علیه السلام نمونه جدال احسن را آیات آخر سوره‌ی یس معرفی فرمودند که شخصی استخوان پوسیده‌ای را پودر کرد و گفت: «مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ» کیست این را زنده کند؟! قرآن پاسخ داد که «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ» همان که اول به آن روح داد بعد هم آن را زنده می‌کند.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- گفتگو با غیر مسلمان نیز باید با بهترین شیوه باشد. «لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»
- ۲- جدالی مورد پذیرش است که محتوای آن و شیوه و الفاظش احسن باشد.

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾

۳- تبادل نظر و گفتگوی صحیح میان مکتب‌ها، فرهنگ‌ها و امت‌ها مورد قبول اسلام است. ﴿بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾

۴- مخاطبان خود را بشناسیم و با هر دسته به نوعی مناسب برخورد کنیم. زیرا برای ستمگران، منطق، گفتگو و نرمش کارساز نیست. ﴿الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾

۵- همه‌ی مخالفان اسلام، ستمگر نیستند. ﴿الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ﴾

۶- در گفتگوها، قبل از اظهار عقیده و نظر، آنچه را که مورد اتفاق است مطرح کنیم. ﴿الْهَذَا وَ الْهَٰؤُلَاءِ وَ الْهَٰؤُلَاءِ وَ الْهَٰؤُلَاءِ﴾

۷- ایمان به تنهایی کافی نیست، تسلیم و اطاعت نیز لازم است. ﴿آمَنَّا... نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

﴿٤٧﴾ وَ كَذٰلِكَ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الْكِتٰبَ فَالَّذِينَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُوْنَ

بِهٖ وَ مِنْ هٰؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهٖ وَ مَا يَجْحَدُ بِآيٰتِنَا اِلَّا الْكَٰفِرُوْنَ

و این گونه، کتاب را بر تو نازل کردیم. پس (بعضی از) کسانی که کتاب آسمانی به ایشان دادیم به آن (قرآن) ایمان می‌آورند، و از این (مشرکان نیز) کسانی به آن ایمان می‌آورند و جز کافران (کسی) آیات ما را انکار نمی‌کند.

#### نکته‌ها:

□ «جحد»، نفی چیزی است که دل می‌پذیرد و یا پذیرش چیزی که دل نفی می‌کند.

#### پیام‌ها:

۱- قرآن، پیروان همه‌ی ادیان پیشین را به اسلام دعوت می‌کند. ﴿فَالَّذِينَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُوْنَ﴾

۲- هدایت‌گری الهی حتمی و لازم است، گرچه همه‌ی مردم هدایت پذیر نباشند. ﴿اَنْزَلْنَا - وَ مِنْ هٰؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهٖ﴾

۳- کسانی که با قرآن آشنا می‌شوند ولی آن را نمی‌پذیرند، گرفتار نوعی کفرند. ﴿و ما یجحد بآیاتنا الا الکافرون﴾

﴿۴۸﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ

و تو قبل از (نزول) این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود آن (قرآن) را نمی‌نویسی، مبدا آنان که در صدد ابطال (سخنان) تو هستند، شک و تردید کنند.

### پیام‌ها:

- ۱- به خواندن و نوشتن خود مغرور نشویم، گاهی به اراده‌ی الهی، یک فرد اُمّی و درس نخوانده، فرهنگ بشریت را عوض می‌کند. ﴿و ما کنت تتلوا﴾ نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت  
به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد.
- ۲- یکی از دلایل حقانیت قرآن، اُمّی بودن پیامبر اسلام است. ﴿و لا تخطه...﴾
- ۳- هوشیاری و جلوگیری از سوءاستفاده و بهانه‌تراشی مخالفان لازم است. ﴿اذاً لارتاب المبطلون﴾
- ۴- نزول قرآن بر پیامبر اُمّی که خواندن و نوشتن نمی‌داند، از راههای اتمام حجت خداوند بر مردم است. ﴿اذاً لارتاب المبطلون﴾
- ۵- رها کردن حق و به سراغ زمینه‌های شک و تردید رفتن، نشانه‌ی بیماری و انگیزه‌های ناصحیح انسان است. ﴿لارتاب المبطلون﴾

﴿۴۹﴾ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

بلکه آن (قرآن) آیاتی است روشن که در سینه‌های کسانی که به آنان معرفت داده شده جای دارد؛ و جز ستمگران آیات ما را انکار نمی‌کنند.

**نکته‌ها:**

□ از مقایسه‌ی آیه‌ی ۴۷ که تنها کافران را منکر آیات الهی می‌داند، ﴿و ما یجحد بآیاتنا الاّ الکافرون﴾ و این آیه که تنها ظالمان را منکر آیات می‌داند، ﴿و ما یجحد بآیاتنا الاّ الظالمون﴾ می‌توان استفاده نمود که کفر، نوعی ظلم و یا بالعکس است.

□ حدود بیست حدیث در کتب تفسیری وارد شده که مراد از ﴿وتوا العلم﴾ در این آیه امامان معصوم علیهم‌السلام هستند.

**پیام‌ها:**

- ۱- گرچه بعضی آیات قرآن متشابه است، ولی مجموعه‌ی آیات آن، روشن و روشنگر است. ﴿آیاتُ بیّنات﴾
- ۲- نشانه‌ی علم واقعی، پذیرش آیات روشن الهی است. ﴿فی صدور الّذین اتوا العلم﴾
- ۳- گرچه انسان برای رسیدن به مقصود، مأمور به تلاش و کوشش است، لیکن علم، هدیه‌ی الهی است. ﴿وتوا العلم﴾
- ۴- آیات قرآن، بر دل اهل علم می‌نشیند و این گروه هستند که حقایق آن را با تمام وجود درک می‌کنند. ﴿الّذین اتوا العلم﴾
- ۵- نمونه‌ی روشن ظلم، ظلم فرهنگی و انکار نابجاست. ﴿و ما یجحد بآیاتنا الاّ الظالمون﴾
- ۶- آنچه را که انسان می‌فهمد، اگر انکار کند، نوعی ظلم است. ﴿الاّ الظالمون﴾

﴿۵۰﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٍ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا آيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و گفتند: چرا بر او از طرف پروردگارش معجزاتی (مانند عصای موسی) نازل نمی‌شود؟ بگو: معجزات تنها نزد خداست (و به فرمان او نازل می‌شود نه میل دیگران)؛ و من فقط هشدار دهنده‌ای آشکار هستم.

## نکته‌ها:

□ مردم از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معجزات مادی می‌خواستند (مانند عصای موسی، ید بیضا و ...) غافل از آن که معجزه هر عصری باید متناسب با همان عصر باشد، لذا معجزه‌ی خاتم انبیا از جنس سخن و کلام است. به راستی با وجود معجزه‌ای همچون قرآن، تقاضای معجزه‌ی دیگر ناسپاسی نیست؟

## پیام‌ها:

- ۱- بهانه‌جویی افراد لجوج، تمام شدنی نیست. (با دیدن انواع معجزه، باز هم معجزه‌ی دیگری می‌خواهند). ﴿لَوْ لَا أَنْزَلَ﴾
- ۲- پیامبر در برابر بهانه‌جویان مقاومت می‌کرد و به آنان پاسخ می‌داد، زیرا معجزه کاری حکیمانه و الهی است نه بازیچه‌ی بهانه‌جویان. ﴿قُلْ إِنَّمَا آيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۳- هشدار و انذار، به دلیل غفلت‌زدایی، قوی‌تر و مؤثرتر از بشارت و امید است. ﴿إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ﴾ و نفرمود: ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشِيرٌ﴾
- ۴- هشدار انبیا، صریح و شفاف است. (نه با کنایه و ابهام و تعریض) ﴿مَبِينٌ﴾

﴿۵۱﴾ **أُولَئِكَ يَكْفُرُ بِمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ**

آیا (این معجزه) برای آنان کافی نیست که ما کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم تا پیوسته بر آنان تلاوت شود؟ همانا در این کتاب، برای گروهی که ایمان آورند، رحمت و تذکری قطعی است.

## نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل خواندیم که کافران، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معجزه‌هایی شبیه معجزه‌ی حضرت موسی و عیسی درخواست می‌کردند؛ این آیه، پاسخ آنهاست.



**پیام‌ها:**

- ۱- قرآن، کتابی جامع و کامل است و همه‌ی نیازهای معنوی را به نوعی پاسخ داده و تأمین می‌کند. ﴿اولم یکفهم﴾
- ۲- هم پیامبر خدا، ﴿رحمة للعالمین﴾<sup>(۱)</sup> است و هم کتابش. ﴿رحمة﴾ نکره و با تنوین آمده، که نشانه‌ی بزرگی و عظمت آن است
- ۳- قرآن، مایه‌ی رحمت و دوری از غفلت است. ﴿لرحمة و ذکرى﴾
- ۴- شرط دریافت رحمت و پذیرش تذکرات الهی، ایمان است. ﴿لقوم یؤمنون﴾

﴿۵۲﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ  
 الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَ كَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ  
 الْخَٰسِرُونَ

بگو: همین بس که خداوند میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که (به جای پیروی از حق)، به باطل ایمان آوردند و به خدا کفر ورزیدند، آنان همان زیانکارانند.

**نکته‌ها:**

- این آیه، موجب تسلی خاطر برای پیامبر اسلام ﷺ و تهدیدی برای بهانه جویان لجوج و سرسخت است، زیرا خداوند بر آنچه میان پیامبر و کافران می‌گذرد، گواه است و به حساب همه چیز می‌رسد.

**پیام‌ها:**

- ۱- اگر استدلال با مخالف سودی نداشت، بحث را قطع کنید و او را به خدا واگذارید. ﴿قل كفى﴾
- ۲- خداوند با نزول قرآن و بشارت آمدن پیامبر اسلام در کتاب‌های آسمانی

پیشین، صداقت پیامبر را تأیید کرده و بر آن گواهی می‌دهد. ﴿شهیذا﴾  
 ۳- خداوند، به همه چیز آگاه است، پس لجاجت و بهانه تراشی چرا؟! ﴿یعلم ما فی  
 السموات...﴾

۴- رها کردن ایمان و معنویت و دلبستگی به غیر او، قدم گذاردن در راه کفر،  
 باطل، پوچی و انحراف می‌باشد که سرانجامش خسارت واقعی است. ﴿آمنوا  
 بالباطل... هم الخاسرون﴾

۵- کافران، زیانکاران واقعی‌اند. ﴿کفروا بالله اولئک هم الخاسرون﴾

﴿۵۳﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَأَجَلَ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ  
 وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آنان با عجله از تو عذاب (الهی را) می‌خواهند و اگر مهلت معین (برای آنان  
 مقرر) نبود، قطعاً عذاب به سراغشان می‌آمد، (ولی بدانند) عذاب ناگهانی  
 به سراغشان خواهد آمد در حالی که از آن غافلند.

﴿۵۴﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

آنان از تو عذاب فوری می‌خواهند و حال آن که جهنم بر کافران احاطه دارد.

#### نکته‌ها:

□ در قرآن چندین بار آمده است: کفاری که به عذاب الهی تهدید می‌شدند، به خاطر ناباوری  
 یا استهزاء، پیوسته از پیامبرشان عذاب فوری تقاضا می‌کردند؛ از این عجله‌ی کفار در همه‌ی  
 موارد انتقاد شده است.

□ در تأخیر عذاب و قهر الهی برکاتی است از جمله:

الف: فرصتی است برای توبه.

ب: بیدایش فرزندان صالح از پدران منحرف.

ج: آزمایش مردم در دینداری و مقاومت.

## پیام‌ها:

- ۱- لطف یا قهر الهی، حکیمانه، حساب شده و دارای برنامه است و با عجله‌ی این و آن تغییر نمی‌کند. ﴿یستعجلونک﴾
- ۲- سقوط فکری انسان به قدری است که حاضر است هلاک شود، ولی حق را نپذیرد. ﴿یستعجلونک بالعذاب﴾
- ۳- امور این عالم، دارای زمان‌بندی‌های حساب شده و معین است. ﴿اجلٌ مسمی﴾
- ۴- قهر ناگهانی خداوند برای آمادگی دایمی ماست. ﴿بغتة﴾
- ۵- قهر الهی قابل پیش‌بینی نیست. ﴿لا یسعون﴾
- ۶- گرچه کفار به خاطر ناباوری یا استهزا، عذاب فوری را از پیامبر توقع دارند، ولی بدانند احاطه‌ی دوزخ بر کافران قطعی است. ﴿لمحیطة بالكافرين﴾

﴿ ۵۵ ﴾ یَوْمَ یَعْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ وَیَقُولُ  
ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

روزی (فرا رسد) که عذاب از بالای سرشان و از زیر پاهایشان آنان را فرا گیرد؛ (در آن روز خداوند) می‌فرماید: بچشید (جزای) کارهایی را که (در دنیا) انجام داده‌اید.

## پیام‌ها:

- ۱- عذاب دوزخ، فراگیر است. ﴿فوقهم... تحت ارجلهم﴾
- ۲- عذاب دوزخ، تجسم عملکرد خود ماست. ﴿ذوقوا ماکنتم تعملون﴾
- ۳- انسان مسئول سرنوشت خود است. ﴿ماکنتم تعملون﴾
- ۴- عذاب فراگیر دوزخ، به خاطر تداوم اعمال ناروای ماست. ﴿ماکنتم تعملون﴾

﴿ ۵۶ ﴾ یَا عِبَادِیَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِنَّ اَرْضِیْ وَاسِعَةٌ فَاٰیَّیْ فَاَعْبُدُوْنِ

ای بندگانِ با ایمانِ من! همانا زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید.

## نکته‌ها:

- اسلام هجرت را برای گروهی از مردم واجب کرده است. کسانی که در مناطق کفر و طاغوت زده زندگی می‌کنند و گرفتار ستم و خفقانند و رشد و نجات خود را در هجرت می‌یابند باید هجرت کنند؛ لیکن در برابر این وظیفه، وسوسه‌هایی از درون و بیرون به انسان القا می‌شود که در آیات بعد پاسخ این وسوسه‌ها داده شده است از جمله:
- \* خطر مرگ. انسان می‌گوید: اگر هجرت کنم، ممکن است مرگ به سراغم بیاید. آیه‌ی بعد می‌گوید: هر کجا باشید مرگ را می‌چشید.
- \* دل‌کندن از مسکن؛ که برای انسان سخت است و وسوسه می‌شود که هجرت نکند، آیه ۵۸ پاسخ می‌دهد که به‌جای مسکن دنیا به هجرت‌کنندگان، غرفه‌های بهشتی پاداش می‌دهیم.
- \* سختی‌های هجرت؛ که گاهی مانع هجرت اهل ایمان است. در آیه‌ی ۵۹ می‌فرماید: این وسوسه را باید با صبر و توکل بر خداوند از بین برد.
- \* تأمین معاش. کسی که به فکر هجرت است، ممکن است بگوید: هجرت، مرا از درآمد و روزی محروم می‌کند. در آیه ۶۰ پاسخ می‌دهد: روزی‌دهنده خداست و حتی به موجوداتی که قدرت حمل روزی خود را ندارند روزی می‌دهد، چه رسد به مهاجرانی که اهل کار و تلاشند.
- هجرت، زمینه‌ی پیدایش اخلاص است. کسانی که هجرت نمی‌کنند و خود را وابسته به فرد، حزب، منطقه، قبیله، امکانات و توقعات این و آن می‌دانند، خواه ناخواه مسائل منطقه‌ای، نژادی، قبیله‌ای، تنگ‌نظری‌های برخاسته از حسادت‌ها و رقابت‌های منفی خودی‌ها و بیگانگان، انسان را از اخلاص خارج می‌کند، و هجرت به مناطقی که مسائل فوق در آن نیست، بهترین زمینه برای پیدایش اخلاص است.
- امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمودند: از حاکم فاسق پیروی نکنید و اگر ترسیدید که آنان سبب فتنه و انحراف در دین شما شوند، هجرت کنید. «لا تطیعوا اهل الفسق من الملوك فان خفتموهم ان یفتنکم عن دینکم فان ارضی واسعة»<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین.

## پیام‌ها:

- ۱- سختی‌ها و تلخی‌های هجرت را با ندای محبت آمیز الهی تحمل کنیم که خداوند به این مؤمنان، عنایت خاص دارد. ﴿یا عبادی﴾
- ۲- در انتخاب مسکن، محور را توفیق عبادت قرار دهیم. ﴿انّ ارضی واسعة فایّای فاعبدون﴾
- ۳- بندگی خدا باید مستمر باشد. ﴿یا عبادی... فاعبدون﴾ ( شما که بنده هستید، باز هم بندگی کنید تا به درجات والاتری برسید.)
- ۴- هجرتی ارزش دارد که در سایه‌ی ایمان باشد. ﴿الذین آمنوا انّ ارضی واسعة﴾
- ۵- سیر و سفر باید هدفدار باشد. ﴿انّ ارضی واسعة فایّای فاعبدون﴾
- ۶- برای حفظ دین و نجات از طاغوت‌ها هجرت کنیم. ﴿ارضی واسعة فایّای فاعبدون﴾
- ۷- کنده شدن از زمین، مقدمه‌ی کنده شدن از انواع وابستگی‌ها و دل بستن به خداست. ﴿واسعة فایّای﴾
- ۸- کسانی که به خاطر وابستگی به مکان یا منطقه‌ای، منحرف می‌شوند، عذرشان پذیرفته نیست، زیرا همواره در زمین، فضایی مناسب برای انجام تکالیف دینی هست. ﴿ارضی واسعة فایّای فاعبدون﴾

## ﴿ ۵۷ ﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

هر نفسی، چشنده‌ی مرگ است؛ سپس به سوی ما باز گردانده می‌شوید.

## نکته‌ها:

- شاید این آیه در ارتباط با آیه قبل باشد که اگر در هجرت مرگ انسان فرارسد، در آن صورت تکلیف چیست؟
- این آیه پاسخ می‌دهد، آنجا که هجرت لازم است از مرگ نترسید، زیرا مرگ سرنوشت حتمی همه است؛ ولی پایان کار نیست، به سوی ما می‌آیید و ما پاداش هجرت و مرگ در

راه هجرت را به شما عطا خواهیم کرد و ستمکارانی را که شما را مجبور به هجرت کردند کیفر خواهیم داد، گرچه رسیدن به آن پاداش و کیفر طول بکشد. (کلمه‌ی «ثم»، بیانگر مدّت زمان طولانی است).

### پیام‌ها:

- ۱- مرگ، استثنا ندارد و برای همه است. ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾
- ۲- مرگ، امری و جودی است، نه عدمی. ﴿ذَائِقَةُ الْمَوْتِ - تَرْجِعُونَ﴾
- ۳- مرگ، پایان کار نیست، بازگشت به مبدأ است. ﴿إِلَيْنَا تَرْجِعُونَ﴾

﴿۵۸﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که نهرها از زیر آنها جاری است؛ همیشه در آنجا خواهند بود؛ چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان.

### نکته‌ها:

- شاید این آیه به آیه‌ی ۵۶ اشاره دارد که هجرت را یک نمونه‌ی روشن از عمل صالح می‌شمرد؛ یعنی کسانی که از مسکن خود در دنیا به خاطر اهداف مقدّس هجرت کنند، خداوند مسکن آخرت آنان را تأمین می‌کند.
- کلمه‌ی «تَبَوَّءَ» به معنای دادن مسکن دائمی است و «غرفه» به محلّ بلندی گفته می‌شود که بر اطراف، اشراف داشته باشد.
- «الصالحات»، جمع است که با الف و لام آمده، یعنی همه‌گونه کارهای نیک انجام دهد.

### پیام‌ها:

- ۱- کارهای شایسته، در کنار ایمان ارزشمند است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۲- شرط دستیابی به بهشت، ایمان و عمل صالح است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

لنُبَوِّئَهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ ﴿

۳- خداوند، بهشت را برای مؤمنان ضمانت کرده است. («لنُبَوِّئَهُمْ» با لام و نون تأکید آمده که نشانِ قطعی بودن است.)

۴- غرفه‌های بهشت، بسیار عالی است. («غرفاً» نکره و همراه با تنوین، نشانه‌ی عظمت و بزرگی است)

۵- نهرهای بهشتی دائماً در جریان است. («تجری» فعل مضارع، نشانه‌ی دوام و استمرار است)

۶- اساس دستیابی به بهشت و نعمت‌های بهشتی، عمل است. ﴿نعم اجر العاملين﴾

﴿ ۵۹ ﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

(مؤمنان صالح) کسانی هستند که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت)

کرده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

﴿ ۶۰ ﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و چه بسا جنبنده‌ای که نمی‌تواند روزی خود را تأمین کند، خداست که به

او و به شما روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا.

**نکته‌ها:**

□ کلمه‌ی «تحمل» از ریشه‌ی «حمالة»، به معنای کفالت و برعهده گرفتن است و ممکن است

مراد از حمل رزق، ذخیره‌سازی برای آینده باشد.

□ در آیه‌ی ۵۶ به هجرت سفارش شد، در این آیه می‌فرماید: مهاجران در راه خدا نگران رزق

و معاش خود نباشند، خدایی که به انبوه جنبنده‌های ناتوان رزق و روزی می‌دهد، رزق شما

را هم خواهد داد.

## پیام‌ها:

- ۱- صبر و توکل، دو نمونه‌ی روشن از عمل صالح است. ﴿عملوا الصّالحات... الذّین صبروا و... یتوکلون﴾
- ۲- ربوبیت خداوند، زمینه‌ی توکل بر اوست. ﴿علی ربّهم یتوکلون﴾
- ۳- فشارهای روحی و مشکلات زندگی از موانع راه نیکوکاران است، که باید با صبر و توکل آنها را برطرف کرد. ﴿صبروا - یتوکلون﴾
- ۴- رمز موفقیت و سعادت در چهار چیز است:  
الف: ایمان و انگیزه. ﴿آمنوا﴾  
ب: کار و کوشش. ﴿عملوا﴾  
ج: استمرار و استقامت. ﴿صبروا﴾  
د: توکل بر خدا، در برابر وسوسه‌ها و نگرانی‌ها. ﴿علی ربّهم یتوکلون﴾
- ۵- توکل بر خداوند، باید همراه بکارگیری تمام توان و استقامت درونی باشد. («صبروا») خبر از گذشته است که آنان تمام توان خود را قبلاً به کار گرفته‌اند و «یتوکلون» خبر از آینده می‌دهد، یعنی در برابر خطرات و حوادث آینده و پیش‌بینی نشده، بر خداوند توکل می‌نمایند.
- ۶- برای تقویت ایمان و توکل بر خداوند، به الطاف الهی نسبت به موجودات دیگر توجه کنیم. ﴿و کائین من دابة﴾
- ۷- رزق و روزی به زرنگی نیست. ﴿لا تحمل رزقها الله یرزقها و ایاکم﴾
- ۸- برای خداوند، رزق دادن به جنبنده‌های ناتوان و انسان‌های سالم و کاردان، یکسان است. ﴿یرزقها و ایاکم﴾
- ۹- علم و آگاهی خداوند ضامن تأمین روزی موجودات است. ﴿السمیع العلیم﴾



﴿ ۶۱ ﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

و اگر از آنان (مشرکان) سؤال کنی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را تسخیر کرد؟ حتماً خواهند گفت: خدا. پس، (از راه حق) به کجا منحرف می‌شوند؟

### نکته‌ها:

- «إفك» به معنای باز گرداندن چیزی از صورت واقعی آن است، یعنی آگاهانه حقیقت را دگرگون می‌کنند.
- مراد از تسخیر خورشید و ماه، تسخیر آنها در مداری است که برای ما مفید باشد.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- با طرح سؤال در مورد مبدأ هستی، هم وجدان‌ها را بیدار کنیم و هم میزان ایمان و عقیده‌ی مردم را بهتر بشناسیم. ﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ﴾
- ۲- در مباحث اعتقادی، از نمونه‌های روشن و ملموس استفاده کنیم. (آسمان، زمین، خورشید و ماه) ﴿السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...﴾
- ۳- مشرکان، خالق هستی را «خدا» می‌دانستند و برای چیزهای دیگر در سرنوشت خود، نقش قائل بودند. ﴿لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾
- ۴- گرایش به حق، فطری است و انحراف مشرکان خلاف فطرت و به خاطر القائات بیرونی است. «یؤفکون» به صورت مجهول آمده که به معنای به انحراف کشیده شدن است، گویا القای خارجی آنان را به انحراف می‌کشد.

۱. تفسیر راهنما.

﴿۶۲﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ

شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را می‌گسترده و یا تنگ می‌کند، همانا خداوند به هر چیزی آگاه است.

#### نکته‌ها:

□ کم یا زیاد کردن روزی افراد به وسیله‌ی خداوند، عالمانه و حکیمانه و بر اساس معیارهای پیدا و ناپیداست. در حدیث می‌خوانیم: مصلحت بعضی از بندگان خدا گسترش روزی است و اگر در تنگنای معیشت قرار گیرند، فاسد می‌شوند و بر عکس این گروه، صلاح گروهی دیگر در تنگنا بودن است که اگر در توسعه واقع شوند، به فساد کشیده می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- کم یا زیاد شدن رزق و روزی، تصادفی نیست. ﴿اللَّهُ يَبْسُطُ... و يقدر﴾  
 ۲- وظیفه‌ی ما کار و تلاش است؛ اما میزان در آمد و رزق در اختیار ما نیست.

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ﴾

۳- خواست و مشیّت الهی، آگاهانه و عالمانه است. ﴿لمن يشاء... بكلّ شيءٍ علیم﴾

﴿۶۳﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ بَعْدِ

مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

و اگر از آنان (مشرکان) بپرسی: چه کسی از آسمان، آبی فرستاد که به وسیله‌ی آن زمین را بعد از مرگش زنده کرد؟ حتماً خواهند گفت: خدا. بگو: ستایش مخصوص خداست؛ اما بیشتر آنان نمی‌اندیشند.

۱. تفسیر اطیب البیان.

## نکته‌ها:

□ ممکن است حمد پیامبر اسلام برای اتمام حجت بر کفار باشد، یعنی اکنون که با زبان اقرار به خالقیت الله دارید، خدا را شکر که حجت بر شما تمام است.

## پیام‌ها:

- ۱- طرح سؤال، وسیله‌ای برای نزدیک کردن افکار، فرهنگ‌ها و عقائد گوناگون است. ﴿لئن سألتهم﴾
- ۲- منحرفان را به حال خود رها نکنیم، با شیوه‌های مختلف فرهنگی به سراغشان برویم. ﴿سألتهم﴾
- ۳- آب، مایه‌ی حیات زمین است. ﴿فاحیا به الارض﴾
- ۴- زمین بدون گیاه مرده است. ﴿بعد موتها﴾
- ۵- روش هدایت قرآن، استفاده از رخداد‌های طبیعی و محسوس است. (آغاز فصل بهار با نزول باران) ﴿فاحیا به الارض بعد موتها﴾
- ۶- خداشناسی فطری است و اگر غبارهای گناه و انحراف، از روی فطرت منحرفان زدوده شود، اعترافات روشن آنها را خواهید یافت. ﴿لئن سألتهم - ليقولنَّ الله﴾
- ۷- یکی از نعمت‌های بزرگی که باید شکر آن را به جا آوریم، نور ایمان و فطرت است. ﴿قل الحمد لله﴾
- ۸- نور فطرت، زمانی انسان را نجات می‌دهد که با تعقل رشد کند. ﴿اکثرهم لا یعقلون﴾
- ۹- در قضاوت‌ها، نظر به اقلیت و اکثریت نداشته باشیم، چه بسا اقلیت بر حق و اکثریت بر باطل باشند. ﴿اکثرهم لا یعقلون﴾
- ۱۰- انجام کارها بدون فکر و اندیشه، موجب سرزنش است. ﴿اکثرهم لا یعقلون﴾

﴿۶۴﴾ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ  
الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر بدانند، زندگی حقیقی، همان سرای آخرت است.

### نکته‌ها:

- «لهو» به سرگرمی‌هایی گفته می‌شود که انسان را از هدف اصلی و مسائل اساسی باز می‌دارد؛ «لعب» انجام کاری مثل بازی است که قصدی در آن نیست.<sup>(۱)</sup>
  - «هذه الحياة الدنيا» رمز تحقیر دنیاست، همان‌گونه که «لهی الحيوان» رمز عظمت آخرت.
  - سؤال: با این که قرآن، خود به کار و تلاش برای آباد کردن زمین و سیر و سفر و بهره‌مند شدن از طبیعت، همسر، زیبایی‌ها، خوراکی‌ها و کسب درآمد، سفارش نموده است، پس چگونه در این آیه می‌فرماید: دنیا جز لهو و لعب نیست؟
- پاسخ: کامیابی‌هایی که برای رسیدن به اهداف مقدّس و با روش و ابزار مقدّس و در محدوده‌ی قانون و با رعایت سایر شرایط باشد، همه‌ی آنها مزرعه‌ی آخرت است و آنچه در این آیه تحقیر و مذمت شده و لهو و لعب معرفی شده، مواردی است که هدف مقدّسی در کنار آن نباشد و با موازین دینی و قانونی مخالف باشد.

### پیام‌ها:

- ۱- آفرینش دنیا، هدفدار و حکیمانه است، لیکن غفلت از آخرت، دنیا پرستی و غرق شدن در آن، سفیهانه است. «لهو و لعب»
- ۲- همه جا سکوت در برابر دلخوشی‌های مردم جایز نیست، گاهی باید با نهیب و فریاد، به غافلان هشدار داد. «لهو و لعب»
- ۳- در شیوه‌ی تبلیغ، هرگاه امر زشتی را نفی می‌کنید، جایگزین خوبی به او ارائه

۱. مفردات راغب.

دهید. ﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ﴾

۴- حیاتِ واقعی، حیاتِ آخرت است. ﴿الدَّارَ الْآخِرَةَ هِيَ الْحَيَوَانَ﴾

۵- مردم، حقیقتِ آخرت را نمی‌دانند و گرنه به دنیا دل نمی‌بستند. ﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

﴿۶۵﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ

إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

پس هنگامی که بر کشتی سوار شوند (و خطر را احساس کنند) خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند) پس همین که (خداوند) آنان را به سوی خشکی رساند و نجات داد، باز ناگاه به شرک بر می‌گردند.

#### نکته‌ها:

□ سؤال: مادیون در تحلیل خود، برای ریشه‌ی ایمان، مسأله‌ی ترس را مطرح می‌کنند و می‌گویند: سرچشمه‌ی مذهب ترس است. انسانی که بترسد، در کودکی به مادر و در بزرگسالی به قدرتی موهوم به نام خدا پناه می‌برد. آیا این آیه که می‌گوید: بعضی مردم، هنگام احساس خطر و غرق شدن، خدا را می‌خوانند، نظریه‌ی آنان را تأیید نمی‌کند؟ پاسخ: این آیه می‌فرماید: توجه به خدا به هنگام ترس است، نه آنکه اصل وجود خدا، مولود ترس است. مثلاً ما به هنگام دیدن سگ و احساس خطر، رو به سنگ می‌رویم؛ اما این، بدان معنا نیست که اصل سنگ به خاطر سگ به وجود آمده باشد. وجود قدرتی لایزال در هستی، امری فطری است که به هنگام حوادث، مورد توجه انسان واقع می‌شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- ترس، غبارهای غفلت را برطرف و فطرت‌خداجویی را بیدار می‌کند. ﴿فَإِذَا رَكِبُوا... دَعُوا اللَّهَ...﴾
- ۲- ایمان نباید موسمی و مقطعی باشد. ﴿فَلَمَّا نَجَّاهُمْ... يَشْرِكُونَ﴾

- ۳- زمین و زمان، مثال‌های قرآن را کهنه نمی‌کند. کشتی سواری در طول تاریخ بشر بوده است. ﴿فَاذَارِكْبُوا فِي الْفَلَکِ...﴾
- ۴- مهم‌تر از اخلاص، حفظ آن است. ﴿مُخْلِصِينَ - اِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ﴾
- ۵- دعای خالصانه، مستجاب است. ﴿دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ... فَلَمَّا نَجَّاهُمْ﴾ (پس از دعا، حرف «فاء» در «فَلَمَّا»، نشانه‌ی استجاب است دعا می‌باشد)
- ۶- نجات از مشکلات و حوادث، راهی است برای شکر نه شرک. ﴿اِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ﴾

### ﴿۶۶﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

(بگذار) تا به آنچه به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند و (از لذت‌های زودگذر زندگی) کامیاب شوند؛ اما به زودی خواهند فهمید.

#### نکته‌ها:

□ مراد از «یکفروا» کفران نعمت است، زیرا در کنار «آتیناهم» یعنی نعمت دادن، آمده است.

#### پیام‌ها:

- ۱- شرک، نوعی ناسپاسی و کفران نعمت است. ﴿لیکفروا﴾
- ۲- در دنیا راه کامیابی به روی افراد صالح و ناصالح باز است. ﴿آتیناهم﴾
- ۳- به کامیابی‌های همراه با کفر و کفران دلخوش نشوید که پایان شومی دارد. ﴿لیکفروا... ولیتمتعوا فسوف...﴾
- ۴- در تربیت، تهدید هم لازم است. ﴿فسوف یعلمون﴾

### ﴿۶۷﴾ أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ

### أَفِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

آیا ندیدند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خداوند کفر می‌ورزند؟

## پیام‌ها:

- ۱- یکی از راه‌های دعوت مردم به خدا، توجّه دادن آنان به نعمت‌های الهی است.  
﴿اولم یروا﴾
- ۲- یادآوری ناامنی‌های پیرامون انسان، امنیّت را در نزد او ارزشمند می‌کند.  
﴿یتخطف الناس من حولهم﴾
- ۳- امنیّت، زمینه و بستر عبادت است؛<sup>(۱)</sup> ولی گروهی قدر آن را نمی‌دانند و به سوی کفر می‌روند. ﴿حرماً آمناً... أفعالباطل یؤمنون و بنعمة الله یكفرون﴾

﴿ ۶۸ ﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ  
أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

و کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بندد یا هنگامی که حقّ به سراغش آمد آن را تکذیب کند؟ آیا برای کافران، در دوزخ جایگاهی نیست؟

## پیام‌ها:

- ۱- وحی را باید بدون کم و زیاد پذیرفت. اضافه کردن هر چیزی به دین، افترا و بدترین ظلم است. ﴿و من اظلم ممن افترى﴾
- ۲- بدترین ظلم، ظلم فرهنگی است که به تسلیم شدن انسان در برابر حقّ ضربه وارد می‌کند. ﴿ممن افترى - او کذب﴾
- ۳- عذاب الهی بعد از اتمام حجّت است. ﴿كذب بالحق لما جاءه أليس في جهنم...﴾

﴿ ۶۹ ﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

و کسانی که در راه ما (تلاش و) جهاد کردند، راه‌های (قرب به) خود را به آنان نشان خواهیم داد و همانا خداوند با نیکوکاران است.

۱. ﴿فلیعبدوا ربّ هذا البیت . الذی ... آمنهم من خوف﴾ قریش، ۳ - ۴.

## پیام‌ها:

- ۱- برای رسیدن به هدایت ویژه‌ی الهی، تلاش لازم است و باید گام اول را خود انسان بردارد. ﴿جاهدوا - لنهیدینهم﴾ چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: ﴿ان تنصروا الله ینصرکم﴾<sup>(۱)</sup>
- ۲- گاهی، یک گام و یک لحظه تلاش خالصانه، هدایت و نجات ابدی را به دنبال دارد. («جاهدوا» به صورت ماضی و «لنهیدینهم» به صورت مضارع و مستمر آمده است.)
- ۳- در مدیریت و رهبری، لازم نیست تمام ابعاد کار از روز اول روشن باشد، همین که گامی الهی بر داشته شد، در وسط راه، هدایت‌های غیبی می‌آید. ﴿جاهدوا - لنهیدینهم﴾
- ۴- آنچه به تلاش‌ها ارزش می‌دهد، خلوص است. ﴿فینا﴾
- ۵- راه‌های وصول به قرب الهی، محدودیتی ندارد. ﴿سبلنا﴾
- ۶- به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشیم. ﴿لنهیدینهم﴾ (حرف لام و نون تأکید، نشانه‌های تأکید است)
- ۷- نشانه‌ی نیکوکار بودن، تلاش در راه حق و اخلاص است. ﴿جاهدوا فینا - لمع المحسنین﴾
- ۸- همراه بودن خدای بزرگ با بنده‌ای ضعیف، یعنی رسیدن انسان به همه چیز. ﴿ان الله لمع المحسنین﴾ چنانکه در دعای عرفه‌ی امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «ماذا فقد من وجدك و ماذا وجد من فقدك» هر که تو را یافت، چه کمبودی دارد و هر که تو را از دست داد، چه دارد؟
- ۹- خداوند، هم راه قرب را به ما نشان می‌دهد و هم تا رسیدن به مقصد، دست ما را می‌گیرد. ﴿لنهیدینهم... مع المحسنین﴾ «الحمد لله رب العالمین»